



مرکز تحقیقات اسلامی و فرهنگی اسلام



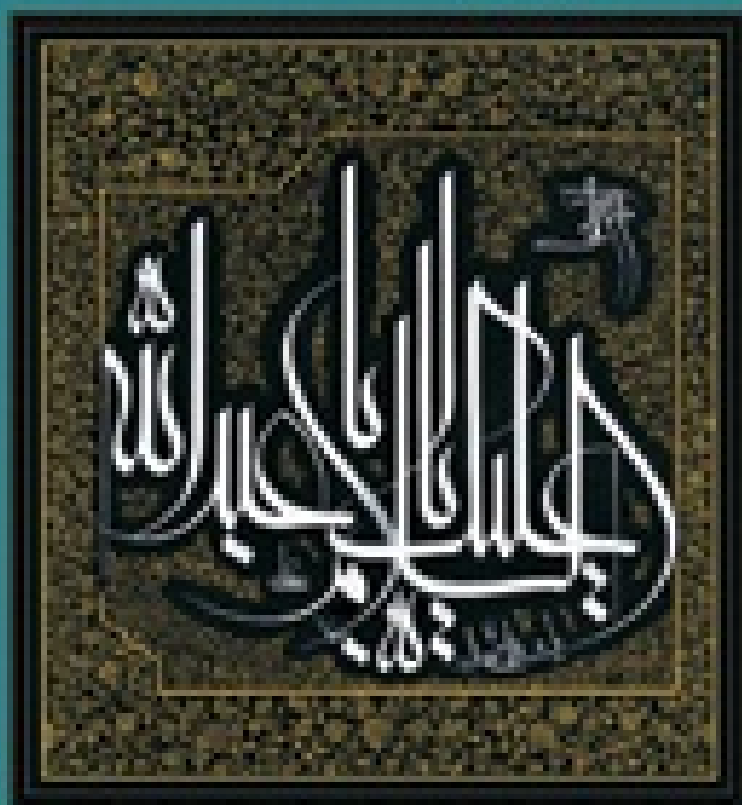
حوزه نمایندگی ولی فقیه امور حج و زیارت (پ)

www.Ghaemiyeh.com

www.Hajj.ir

فرماننامه

مرثیه سرای و عزاداری سیدالشهدا



مختصه شیعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ نامه مرثیه سرایی و عزاداری سیدالشهداء علیه السلام

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
فرهنگ نامه مرثیه سرایی و عزاداری سیدالشهداء علیه السلام	۸
مشخصات کتاب	۸
اشاره	۸
پیش گفتار	۹
فصل یکم جایگاه مرثیه سرایی عزاداری در سخن و سیره پیشوایان	۱۳
اشاره	۱۳
۱. مرثیه سرایان سید الشهداء پیش از واقعه کربلا	۱۵
۲. نخستین مرثیه سرایان سید الشهداء پس از واقعه کربلا	۱۶
۳. پوشیدن لباس سیاه در عزای سید الشهداء	۱۸
۴. تأکید بر زنده نگهداشتن یاد سید الشهداء	۱۸
۵. تأکید بر تداوم عزاداری	۱۹
فصل دوم فلسفه عزاداری	۲۱
فصل سوم آسیب شناسی مرثیه سرایی و عزاداری	۲۵
اشاره	۲۵
۱. تحریف هدف عزاداری	۲۶
۲. استناد به منابع غیر معتبر	۳۳
۳. گزارش های ذلت بار	۳۵
اشاره	۳۵
چرا ذلت فرزندان حسین را خواندی؟!	۳۸
۴. غلو	۴۱
۵. دروغ	۴۳
اشاره	۴۳

۴۴	 دروغ در مرثیه‌سرایی در دوران گذشته
۴۵	 نمونه‌هایی از روضه‌های دروغ از نگاه محدث نوری
۴۵	 اشاره
۴۶	 ۱. اضافات داستان آمدن طبیب برای معالجه امام علی علیه السلام در بستر شهادت
۴۸	 ۲. آب آوردن ابا الفضل برای سید الشهداء در کودکی!
۴۹	 ۳. پیمان گرفتن زینب علیها السلام از حبیب بن مظاهر
۵۰	 ۴. احوال‌پرسی امام حسین علیه السلام از زین العابدین علیه السلام در روز عاشورا
۵۱	 ۵. داستان اسب امام حسین علیه السلام
۵۱	 ۶. داستان عروسی حضرت قاسم
۵۲	 ۷. نسبت دادن شعر ابو الحسن تهمی به امام حسین علیه السلام
۵۲	 ۸. آمدن زینب علیها السلام به بالین برادر در قتلگاه
۵۳	 ۹. اسیری در این خانواده نبود
۵۳	 ۱۰. چگونگی حضور امام صادق در مجلس عزاداری
۵۳	 اشاره
۵۴	 دروغ در مرثیه‌سرایی در عصر حاضر
۵۴	 اشاره
۵۵	 ۱. دعای لیلا برای علی اکبر
۵۶	 ۲. نذر کردن لیلا برای سلامتی علی اکبر
۵۸	 ۳. داستان پیرزنی که زمان متوکل به زیارت امام حسین علیه السلام می‌رود
۵۸	 اشاره
۵۹	 ریشه دروغ در مرثیه‌سرایی از نگاه محدث نوری
۵۹	 اشاره
۵۹	 ۱. تجویز دروغ در تعزیه!
۶۱	 ۲. تسامح در ابواب فضایل، قصص و مصایب

۶۶	۶. بدعت در نحوه عزاداری
۷۰	فصل چهارم مجالس عزاداری هدفمند
۷۰	اشاره
۷۰	۱. خدا محوری
۷۲	۲. ارائه تاریخ و تحلیل صحیح از حادثه عاشورا
۷۴	۳. تبلور عاطفه و ارادت به اهل بیت علیهم السلام
۷۶	فصل پنجم کتاب‌شناسی تاریخ عاشورا و عزاداری
۷۶	اشاره
۷۸	منابع قابل استناد
۸۰	منابع غیر استناد
۸۰	اشاره
۸۴	۱. مقتل منسوب به ابومخنف
۸۷	۲. نور العین فی مشهد الحسین علیه السلام
۸۸	۳. روضة الشهداء
۹۰	۴. المنتخب فی جمع المراثی و الخطب
۹۱	۵. محرق القلوب
۹۲	۶. اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات «اسرار الشهادة»
۹۵	۷. ناسخ التواریخ
۹۶	۸. عنوان الکلام
۹۷	۹. تذکرة الشهداء
۹۸	۱۰. معالی السبطين
۱۰۰	منابع معاصر
۱۰۲	درباره مرکز

فرهنگ نامه مرثیه سرایی و عزاداری سیدالشهداء علیه السلام

مشخصات کتاب

- سرشناسه : محمدی‌ری‌شهری، محمد، ۱۳۲۵ -
- عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ‌نامه مرثیه‌سرایی و عزاداری سیدالشهداء علیه السلام / محمد محمدی‌ری‌شهری.
- مشخصات نشر : تهران: مشعر، ۱۳۸۷.
- مشخصات ظاهری : ۱۱۱ ص.
- شابک : ۸۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۴۲-۷
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۰۱ - ۱۰۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
- موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق. — سوگواری‌ها.
- موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق. — مرثیه.
- رده بندی کنگره : ۳/۲۶۰BP/م۳۵ف۴ ۱۳۸۷
- رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۴
- شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۰۳۱۲۵
- ص: ۱

اشاره

ص: ۷

پیش‌گفتار

مرثیه‌سرایی و عزاداری برای سید الشهداء، به دلیل اهداف بلند و نقش سازنده فردی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن، از جایگاه ویژه‌ای در سخن و سیره اهل بیت برخوردار است. اما باید توجه داشت که این حرکت پر برکت، مانند همه اقدامات مفید و سودمند، بدون آفت نیست.

بی‌تردید شیاطین جن و انس، تلاش می‌کنند تا هر حرکت سازنده فرهنگی را دچار آفت نمایند تا آن را بی‌اثر کنند، یا لاقلاً از آثار و برکات آن بکاهند، و از این رو، هر چه فعالیت‌های فرهنگی مؤثرتر باشد، آفات خطرناکتری آنها را تهدید می‌نماید. بدین جهت، نقش فوق‌العاده سازنده فرهنگ عاشورا در زمینه‌سازی جهت حاکمیت ارزش‌ها، سبب شده تا دشمنان پیدا و ناپیدای اسلام ناب، از دیرباز برای تحریف این فرهنگ، برنامه‌ریزی نمایند، و این تلاش‌ها پس از نقش آفرینی فرهنگ عاشورا در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تشدید گردیده است.

ص: ۸

و بدین سان، بر همه مرزبانان اسلام ناب و پاسداران فرهنگ اصیل عاشورا، و علاقمندان به اهل بیت علیهم السلام، فرض است، که همه توان خود را در جهت آفت‌زدایی و پالایش فرهنگ عاشورا، و فرهنگ‌سازی صحیح مرثیه‌سرایی و عزاداری سید الشهداء به کار گیرند، و نقشه دشمنان را نقش بر آب نمایند.

تا آن جا که ما می‌دانیم نخستین کتابی که بدین منظور تألیف شده کتاب «لؤلؤ و مرجان» (۱) نوشته محدث نوری است، همچنین استاد شهید، علامه مطهری رحمه الله در «حماسه حسینی» همین هدف را تعقیب کرده است.

اما فرهنگ‌نامه مرثیه‌سرایی سید الشهداء، ضمن ادامه راه «لؤلؤ و مرجان» و «حماسه حسینی» اشاره به این نکته مهم دارد که در نظام جمهوری اسلامی برای آفت‌زدایی فرهنگ عاشورا نباید به گفتن و نوشتن و رهنمود بسنده کرد، بلکه باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی نمود که مرثیه‌سرایی و عزاداری به شیوه صحیحی که مورد رضای خدا و اهل بیت است به صورت یک فرهنگ، همگانی گردد، و همه ارگانهای فرهنگی نظام، به ویژه صدا و سیما برای این فرهنگ‌سازی، برنامه‌ریزی و تلاش کنند.

فصل یکم این فرهنگ‌نامه (۲) اختصاص به تبیین جایگاه

۱- این کتاب در سال ۱۳۱۹ هجری قمری، یکصد و ده سال پیش نگارش یافته است.

۲- گفتنی است که این فرهنگ‌نامه، بخشی از دانش نامه امام حسین علیه السلام است که به دلیل شدت نیاز به آن به صورت مستقل نیز تقدیم علاقمندان می‌گردد.

ص: ۹

مرثیه‌سرایی و عزاداری برای سید الشهداء در سخن و سیره اهل بیت دارد. در این فصل، به مرثیه‌سرایان آن حضرت پیش از واقعه کربلا و نخستین مرثیه‌سرایان، پس از این واقعه اشاره شده، و زنده نگهداشتن یاد سید الشهداء و تداوم عزاداری برای آن حضرت مورد تأکید قرار گرفته است.

در فصل دوم توضیح داده شده که اصلی‌ترین فلسفه قیام و شهادت امام حسین علیه السلام جهل زدایی و زمینه‌سازی برای حاکمیت ارزش‌های انسانی و اسلامی به رهبری اهل بیت علیهم السلام است.

فصل سوم که بزرگترین فصل این فرهنگ نامه است اختصاص دارد به آسیب‌شناسی فرهنگ عاشورا، در این فصل، تحریف هدف عزاداری سید الشهداء، استناد به منابع غیر معتبر در مرثیه‌سرایی، گزارش‌های ذلت‌بار از واقعه کربلا، غلو درباره اهل بیت، دروغ در مرثیه‌سرایی، و بدعت در نحوه عزاداری به عنوان مهم‌ترین آسیب‌های مرثیه‌سرایی و عزاداری، مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل چهارم توضیح داده شده که مجالس عزاداری هدفمند دارای سه ویژگی است، اول: خدا محوری، دوم: ارائه تاریخ و تحلیل صحیح از حادثه عاشورا، و سوم: تبلور عاطفه و ارادت به اهل بیت علیهم السلام.

در آخرین فصل این فرهنگ‌نامه، کتاب‌شناسی تاریخ عاشورا و

ص: ۱۰

عزاداری، مورد بررسی قرار گرفته است، در این فصل، منابع تاریخ عاشورا و عزاداری به چهار گروه تقسیم شده و منابع قابل استناد و غیر قابل استناد که آشنایی با آنها به شدت مورد نیاز اهل منبر و مرثیه‌سرایان است به تفصیل، تبیین گردیده است. (۱) از خداوند منان می‌خواهم که در کنار دانش‌نامه امام حسین علیه السلام به این فرهنگ‌نامه، برکتی عنایت کند که در سال نوآوری (۲)، حرکتی نو در راه فرهنگ‌سازی صحیح مرثیه‌سرایی پدید آید و دست‌اندرکاران امور فرهنگی کشور، و خطبا و مرثیه‌سرایان با مطالعه دقیق آن، موجبات شکوفایی هر چه بیشتر فرهنگ عاشورا و بهره‌برداری از آن در جهت زمینه‌سازی حکومت جهانی اسلام به رهبری مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله را فراهم سازند، آمین.

اللّٰهُمَّ ارزقنا شفاعَةَ الحسين عليه السلام يوم الورود وثبت لنا قدم صدق عندك مع الحسين وأصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام.

محمّدی ری شهری

۱۰/۵/۱۳۸۷

۲۸ رجب ۱۴۲۹

۱- گفتنی است که این فصل توسط فاضل ارجمند جناب آقای عبدالهادی مسعودی تهیه شده که در همین جا از ایشان صمیمانه تشکر می‌کنم. جزاه الله عن اهل بیت نبیه خیر الجزاء.

۲- سال ۱۳۸۷ هجری شمسی توسط رهبر انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای «سال نوآوری و شکوفایی» نامیده شده است.

ص: ۱۱

جایگاه مرثیه‌سرایی و عزاداری در سخن و سیره پیشوایان

فصل یکم جایگاه مرثیه‌سرایی عزاداری در سخن و سیره پیشوایان

اشاره

بر پایه روایات، مرثیه‌سرایی برای سالار شهیدان و یارانش، و عزاداری برای آنان و گریه بر مصائبی که بر ایشان گذشت، خصوصاً در دهه اول محرم و بالاخص در روز عاشورا مورد تأکید خاندان رسالت است.

عزاداری برای سید الشهداء در حقیقت اظهار محبت به خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله است که قرآن مودت آنها را واجب کرده است:

«قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ. (۱) بگو در برابر این (رسالت) مزدی از شما نمی‌خواهم، جز دوست داشتن خویشاوندان (مرا)».

عزاداری برای سید الشهداء، اظهار همدردی در بزرگ‌ترین مصائبی است که برای اهل بیت علیهم السلام و در واقع برای اسلام پیش آمد.

شیخ صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده که می‌فرماید:

... رَحِمَ اللَّهُ شِيعَتَنَا، شِيعَتُنَا - وَاللَّهِ - هُمُ الْمُؤْمِنُونَ، فَقَدْ - وَاللَّهِ - شَرَّ كُونَا

ص: ۱۲

فِي الْمُصِيبَةِ بِطُولِ الْحُزَنِ وَالْحَسْرَةِ. (۱)

خداوند شیعیان ما را رحمت کند- به خدا سوگند- آنان حقیقتاً مؤمنند. به خدا سوگند، آنان در اندوه و حسرتی مدام، در عزای ما سهیمند.

و در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده:

اللَّهُمَّ ... وَارْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الَّتِي جَزَتْ دُمُوعُهَا رَحِمَةً لَنَا، وَارْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِي جَزَعَتْ وَاحْتَرَقَتْ لَنَا، وَارْحَمْ الصَّرَخَةَ الَّتِي كَانَتْ لَنَا. (۲)

بار خدایا ... و بر آن چشم‌هایی که از سر ترحم بر ما اشک‌هایشان روان شد، رحم کن، و بر آن دل‌هایی را که بی تاب شدند و به حال ما سوختند، رحم نما، و بر شیون‌هایی که برای ما بلند گردیدند، ترحم آور.

عباداری برای سید الشهداء یکی از بزرگ‌ترین مصادیق تعظیم شعائر الهی و نشانه تقوای دل‌ها است. (۳) تحقیقاً یکی از مهم‌ترین امتیازات جامعه شیعه، برخورداری از چشمه پر فیض نورانیت و معنویت عاشورا است. این چشمه جوشان از نخستین روزی که موضوع ذکر مصیبت سید الشهداء و یارانش مطرح شد، جریان یافت و تا امروز همچنان جاری است و پس از این هم ادامه خواهد داشت.

۱- ثواب الأعمال: ص ۲۵۷ ح ۳.

۲- الکافی: ج ۴ ص ۵۸۳ ح ۱۱.

۳- «وَمِنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد، در حقیقت این [حاکمی] از پاکی دل‌هاست» (حج: آیه ۳۲).

ص: ۱۳

ائمه اهل بیت علیهم السلام به جز تأکیدهای مستقیم قولی به گونه‌های دیگری نیز بر اهمیت عزاداری و زنده نگه داشتن آن تأکید داشته‌اند که به مواردی اشاره می‌گردد:

۱. مرثیه‌سرایان سید الشهداء پیش از واقعه کربلا

بر پایه روایات، نخستین کسی که قبل از واقعه کربلا برای سید الشهداء مرثیه‌سرایی کرده خداوند متعال است که آدم ابو البشر، ابراهیم خلیل و خاتم انبیا علیهم السلام را از مصایبی که برای آن حضرت پیش خواهد آمد، آگاه فرموده است، و آنان بر این مصیبت گریسته‌اند. (۱) همچنین حضرت عیسی علیه السلام هنگام عبور از کربلا به مصیبت حسین علیه السلام اشاره کرده و همراه با حواریون خود بر مصایب آن حضرت گریسته است. (۲) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام نیز بارها به حوادث خونبار کربلا اشاره کرده و همراه با فاطمه زهرا علیها السلام بر فرزند عزیز خود اشک ریخته‌اند. (۳)

۱- کمال الدین: ص ۲۸۲ ح ۳۶، الخصال: ص ۵۸ ح ۷۹، عیون اخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۲۰۹ ح ۱، الارشاد: ج ۲ ص ۱۳۰، کامل الزیارات: ص ۱۲۵ ح ۱۳۹، کشف الغمّه: ج ۲ ص ۲۷۰، بحار الأنوار: ج ۴۴ ص ۲۴۵ ح ۴۴.

۲- کمال الدین: ص ۵۳۱ ح ۱، الأمالی، صدوق: ص ۶۹۵ ح ۹۵۱، الخرائج والجرائح: ج ۳ ص ۱۱۴۳ ح ۵۵؛ الفتوح: ج ۲ ص ۵۵۳.

۳- الأمالی، صدوق: ص ۱۹۷ ح ۲۰۸، المناقب، کوفی: ج ۲ ص ۲۷۹ ح ۷۴۶.

ص: ۱۴

۲. نخستین مرثیه‌سرایان سید الشهداء پس از واقعه کربلا

پس از واقعه عاشورا، نخستین مرثیه‌سرایان سید الشهداء و یارانش فرزندش زین العابدین، خواهر بزرگوارش زینب کبرا، دختران امام، امّ کلثوم و فاطمه صغرا و همسرش رباب بوده‌اند که در کربلا، کوفه و شام، با مرثیه‌سرایی‌های هدفمند خود، راه سالار شهیدان را ادامه دادند.

اما در مدینه، نخستین مرثیه‌سرا همزمان با شهادت امام حسین علیه السلام، ام سلمه همسر بزرگوار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود، یعقوبی در این باره می‌نویسد:

كَانَ أَوَّلُ صَارِحَةٍ صَرَخَتْ فِي الْمَدِينَةِ أُمَّ سَلَمَةَ زَوْجَ رَسُولِ اللَّهِ.

نخستین ضجه زنده‌ای که در مدینه ضجه‌اش بلند شد، ام سلمه همسر رسول خدا بود.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شیشه‌ای که در آن خاکی قرار داشت به ام سلمه داده بود و فرموده بود که: «هر گاه این خاک تبدیل به خون تازه شود حسین علیه السلام کشته شده است». روز عاشورای سال ۶۱ هجری آن خاک تبدیل به خون تازه شد، و ام سلمه با دیدن آن فریاد کشید:

وَاحْسِينَاهُ! وَابْنَ رَسُولِ اللَّهِ!

واحسینا، واپسر رسول خدا

ص: ۱۵

شیون و زاری و مرثیه سرایی ام سلمه برای امام حسین علیه السلام به گونه ای بود که به دنبال آن، مدینه یکپارچه عزادار شد:

وَتَصَارَحَتِ النِّسَاءُ مِنْ كُلِّ نَاحِيَةٍ، حَتَّى ارْتَفَعَتِ الْمَدِينَةُ بِالرَّجَاءِ الَّتِي مَا سَمِعَ بِمِثْلِهَا قَطُّ. (۱)

و زنان شیون کردند تا این که در مدینه چنان ولوله ای شد که تا آن زمان شنیده نشده بود.

سال ۶۱ هجری سال حزن نامیده شد (۲) و بر پایه گزارش دعائم الاسلام از امام صادق علیه السلام پس از واقعه عاشورا سه سال تمام بر آن حضرت مرثیه سرایی می شد (۳)، همچنین طبق گزارشی دیگر، از شهادت آن حضرت تا هلاکت ابن زیاد اهل بیت از عزای بیرون نیامدند:

مَا اخْتَصَبَتْ مِنَّا امْرَأَةٌ، وَلَا اَذْهَنْتْ، وَلَا اَكْتَحَلَتْ، وَلَا رَجَلَتْ، حَتَّى اُتَانَا رَأْسُ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ، وَمَا زِلْنَا فِي عَبْرَةٍ بَعْدَهُ. (۴) هیچ یک از زنان ما خضاب نکرد، و روغنی استفاده نکرد و سرمه نکشید، و شانه نزد تا این که سر عبیدالله بن زیاد را برایمان آوردند، ما همواره پس از آن ماجرا گریان بودیم.

۱- تاریخ یعقوبی: ج ۲ ص ۲۴۵.

۲- مقتل الحسین، خوارزمی: ج ۲ ص ۴۰، التذکره، قرطبی: ج ۲ ص ۴۵۳.

۳- دعائم الاسلام: ج ۱ ص ۲۲۷.

۴- کامل الزیارات: ص ۱۶۷ ح ۲۱۹، ر. ک: التذکره الحمدونیة: ج ۹ ص ۱۵۰ ش ۳۵۹؛ هنگامی که حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسید، در هر خانه ای در مدینه به مدت یک سال تمام نوحه سرایی بود، و در سال دوم، در هر جمعه و در سال سوم، در دو ماه سوگواری به پا می شد. نیز، ر. ک: دانش نامه امام حسین علیه السلام: تداوم سوگواری اهل بیت تا کشته شدن ابن زیاد.

۳. پوشیدن لباس سیاه در عزای سید الشهداء

نخستین کسانی که در عزای امام حسین علیه السلام لباس سیاه پوشیدند، ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و زن‌های بنی‌هاشم بودند. (۱) این اقدام، نشان می‌دهد که لباس سیاه از زمان‌های گذشته علامتِ عزا بوده، ابو مسلم هم در آغاز قیام خود برای استفاده تبلیغاتی علیه حکومت بنی امیه لباس سیاه را انتخاب کرد. آنها می‌گفتند:

هَذَا السَّوَادُ حِدَادُ آلِ مُحَمَّدٍ وَشُهَدَاءِ كَرْبَلَا وَزَيْدٍ وَيَحْيَى. (۲) این لباس سیاه، عزای آل محمد و شهیدان کربلا و زید و یحیی است.

در زمان معاصر نیز در میان پیروان اهل بیت علیهم السلام لباس سیاه نشانه عزاداری است.

۴. تأکید بر زنده نگهداشتن یاد سید الشهداء

در روایات تأکید فراوان بر تداوم یاد سید الشهداء شده است، در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که هنگام یاد آن حضرت سه بار بگو:

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ. (۳)

درود بر تو ای ابو عبدالله.

۱- المحاسن: ج ۲ ص ۱۹۵ ح ۱۵۶۴، الأمالی، شجری: ج ۱ ص ۱۶۴، شرح الأخبار: ج ۳ ص ۱۷۱ ح ۱۱۱۹.

۲- المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۳ ص ۳۰۰.

۳- الکافی: ج ۴ ص ۵۷۵ ح ۲، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۰۳ ح ۱۸۰، المزار، مفید: ص ۲۱۴ ح ۱، الأمالی، طوسی: ص ۵۴ ح ۷۳.

ص: ۱۷

که این سلام از نزدیک و دور به او ابلاغ می‌شود.

همچنین یاد کردن آن حضرت هنگام نوشیدن آب توصیه شده است:

وَمَا مِنْ عَبْدٍ شَرِبَ الْمَاءَ فَذَكَرَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَلَعَنَ قَاتِلَهُ، إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مِثَّةَ أَلْفٍ حَسَنَةٍ، وَحَطَّ عَنْهُ مِثَّةَ أَلْفٍ سَيِّئَةٍ، وَرَفَعَ لَهُ مِثَّةَ أَلْفٍ دَرَجَةٍ. (۱)

هیچ کس نیست که آب بنوشد و یاد حسین علیه السلام و خاندانش کند و کشنده‌اش را لعن کند، مگر این که خداوند، برایش یک صد هزار حسنه بنویسد، و یک صد هزار گناه را از او بزدايد و یک صد هزار درجه برایش بدهد. (۲) با عنایت به نیاز مکرر انسان در شبانه روز به نوشیدن آب، توصیه به سلام بر آن حضرت و لعن بر قاتلانش هنگام نوشیدن آب، بدین معنا است که پیروان اهل بیت علیهم السلام هیچ گاه نباید ماجرای کربلا را فراموش کنند و خاطره مبارزه با ظلم و ظالم و شهادت جانگداز سلاله پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله در این راه، برای همیشه، باید در تاریخ زنده بماند.

۵. تأکید بر تداوم عزاداری

تأمل در توصیه اهل بیت علیهم السلام بر اقامه مجالس عزا برای شهدای کربلا و

۱- الکافی: ج ۶ ص ۳۹۱ ح ۶، کامل الزیارات: ص ۲۱۲ ح ۳۰۴.

۲- ر. ک: دانش نامه امام حسین علیه السلام: یاد مصیبت حسین علیه السلام بودن هنگام آشامیدن آب.

ص: ۱۸

زنده نگاهداشتن خاطره عاشورا (۱)، تشویق آنان به سرودن شعر (۲) درباره این فاجعه بزرگ تاریخ اسلام، بشارت به پادشاهای بزرگ در گریاندن و گریستن بر این مصیبت عظمی، تأکید بر اهمیت عزاداری در دهه اول محرم، (۴) خصوصاً در روز عاشورا (۵)، به روشنی بیانگر این حقیقت است که عزاداری برای سید الشهداء و یارانش، هدف بزرگی را تعقیب می‌کند که تا آن هدف تحقق نیافته، سنت عزاداری در میان پیروان اهل بیت باید تداوم یابد.

بنا بر این مسأله مهم این است که هدف و حکمت ضرورت تداوم عزاداری برای سید الشهداء چیست؟

- ۱- ر. ک: روایات مربوط به این عناوین به تفصیل در کتاب دانش‌نامه امام حسین علیه السلام آمده است.
- ۲- ر. ک: روایات مربوط به این عناوین به تفصیل در کتاب دانش‌نامه امام حسین علیه السلام آمده است.
- ۳- ر. ک: روایات مربوط به این عناوین به تفصیل در کتاب دانش‌نامه امام حسین علیه السلام آمده است.
- ۴- ر. ک: روایات مربوط به این عناوین به تفصیل در کتاب دانش‌نامه امام حسین علیه السلام آمده است.
- ۵- ر. ک: روایات مربوط به این عناوین به تفصیل در کتاب دانش‌نامه امام حسین علیه السلام آمده است.

ص: ۱۹

فلسفه عزاداری

فصل دوم فلسفه عزاداری

شناخت فلسفه عزاداری امام حسین علیه السلام، نخستین گام در راه تأمین اهداف بلند این سنت مهم و سرنوشت‌ساز پیروان اهل بیت علیهم السلام است.

زیرا عزاداری بدون معرفت نه تنها ارزشی ندارد، بلکه چه بسا به زیان اهداف اصلی این حرکت ارزشمند نیز باشد. بر پایه روایتی در رهنمودهای امام علی علیه السلام به کمیل آمده که می‌فرماید:

مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ. (۱)

هیچ حرکتی [برای انجام کاری] نیست، مگر این که تو در آن به شناخت نیازمندی.

ممکن است در پاسخ به فلسفه عزاداری، گفته شود که مطابق نص صریح و روشن قرآن محبت خاندان رسالت واجب است (۲)، بنا بر این می‌توان گفت فلسفه گریه بر امام حسین علیه السلام و اقامه عزا برای مصایب ایشان، اظهار ارادت به پیامبر و اهل بیت آن بزرگوار است.

۱- تحف العقول: ص ۱۷۱، و نیز، ر. ک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۲ ص ۳۱۰ ح ۱۴۳۱.

۲- ر. ک: ص ۱۱.

ص: ۲۰

بی‌تردید، اظهار محبت نسبت به خاندان پیامبر از طریق سوگواری برای سالار شهیدان همانطور که اشاره شده پسندیده و تعظیم شعائر الهی است، لیکن تأمل در روایاتی که توصیه و تأکید بر تداوم اقامه ماتم بر سید الشهداء دارند ایجاب می‌کند که عزاداری برای ایشان، فلسفه‌ای بسیار فراتر از اظهار محبت به اهل بیت علیهم السلام داشته باشد.

بلکه از نگاه سید بن طاووس، اگر امثال امر کتاب و سنت نبود، اظهار محبت نسبت به اهل بیت علیهم السلام ایجاب می‌کرد که به دلیل منزلت والایی که امام حسین علیه السلام و یارانش به واسطه شهادت بدان دست یافتند، اظهار مسرت و شادمانی کنیم، متن سخن ایشان این است:

اگر نبود که پوشیدن لباس سوگ و مصیبت، به خاطر از میان رفتن نشانه‌های هدایت و تأسیس پایه‌های گمراهی، و تأسف بر سعادت‌ی که از دست دادیم و افسوس بر چنین شهادتی امثال امر کتاب و سنت است، ما در برابر آن نعمت بزرگ لباس شادی و خوشحالی می‌پوشیدیم. و چون در بی‌تابی و سوگواری، خشنودی صاحب روز معاد هست و نیکان در آن غرضی دارند، ما لباس عزا پوشیدیم و همواره اشک ریختیم و به چشماهایمان، گفتیم: همواره بگریید و به دل هایمان گفتیم: همانند زنان جوان مرده ماتم بگریید. (۱) بنا بر این، باید دید حکمت آن همه تأکید بر عزاداری و گریه برای ابی عبد الله علیه السلام چیست؟

ص: ۲۱

بنا بر این هر چه فلسفه شهادت او باشد، فلسفه عزاداری برای او نیز هست.

فلسفه شهادت امام حسین علیه السلام:

اصلی‌ترین فلسفه قیام و شهادت سید الشهداء علیه السلام مبارزه با جهل و از این طریق زمینه‌سازی برای حاکمیت ارزش‌های انسانی و اسلامی به رهبری اهل بیت علیهم السلام است.

بر پایه آن چه بسیاری از منابع معتبر از امام صادق علیه السلام گزارش کرده‌اند، ایشان در این باره می‌فرماید:

... وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ. (۱)

و خونسش را به خاطر تو بذل کرد تا بندگان را از جهالت و سرگردانی گمراهی بیرون آورد.

همه آن چه در تبیین فلسفه قیام و شهادت امام حسین علیه السلام ذکر شده (۲)، در فلسفه جهل‌زدایی خلاصه می‌شود.

جهل‌زدایی نه تنها فلسفه قیام سید الشهداء بلکه فلسفه بعثت خاتم الانبیا و نزول قرآن است:

«كُتِبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ». (۳)

[این قرآن] کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، تا مردم

۱- تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۱۳ ح ۲۰۱، المزار الکبیر: ص ۵۱۴ ح ۱۰، الأقبال: ج ۳ ص ۱۰۲، مصباح المتعجد: ص ۷۸۸، المصباح، کفعمی: ص ۶۴۹.

۲- ر. ک: دانش‌نامه امام حسین علیه السلام: فلسفه قیام امام حسین علیه السلام.

۳- إِبْرَاهِيم: آیه ۱.

ص: ۲۲

را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آوری».

فلسفه بعثت انبیاء پیشین نیز جهل‌زدایی بوده است:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (۱)

ما موسی را با آیات خود فرو فرستادیم (ودستور دادیم) قومت را از ظلمات به نور بیرون آر».

در حقیقت، «جهل» ریشه همه مصایب و مفساد جامعه بشر است، چنان که در روایتی از امام علی علیه السلام آمده:

الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ (۲)

نادانی، ریشه همه بدی‌هاست.

و بر این اساس اصلی‌ترین کار انبیاء و اولیای الهی ریشه‌کن کردن بیماری جهل از جامعه است؛ زیرا تا این بیماری علاج نگردد نمی‌توان انتظار داشت که ارزش‌های دینی بر جامعه حاکم گردد.

امام حسین علیه السلام نیز برای تحقق این آرمان بلند، خون پاک خود را در راه خدا اهداء کرد و بدین سان اصلی‌ترین فلسفه زنده نگهداشتن مکتب شهادت به وسیله عزاداری آن حضرت نیز، جهل‌زدایی جامعه اسلامی است و تا درمان کامل این بیماری خطرناک اجتماعی و حاکمیت مطلق ارزش‌های اسلامی در جهان، تداوم این مکتب ضروری است.

۱- ابراهیم: آیه ۵، و نیز، ر. ک: دانش‌نامه عقاید اسلامی: ج ۲ ص ۴۴.

۲- غرر الحکم: ح ۸۱۹.

ص: ۲۳

آسیب شناسی مرثیه سرایی و عزاداری

فصل سوم آسیب شناسی مرثیه سرایی و عزاداری

اشاره

در عصر حاضر، آشنایی با آفاتی که هدف و فلسفه عزاداری سالار شهیدان را تهدید می کنند، مهم ترین و اساسی ترین گام در راه تحقق اهداف ارزشمند این دستورالعمل سازنده اهل بیت عصمت و طهارت است و از این رو این مسأله با شرح و بسط بیشتری ارائه می شود.

نقش فرهنگ اصیل عاشورا در جهل زدایی جوامع اسلامی و زمینه سازی برای حکومت جهانی اسلام، ایجاب می کند که اسلام ستیزان مستکبر- اعم از آنها که رسماً در مقابل اسلام قرار دارند یا کسانی که به نام اسلام بر مسلمین حکومت می کنند- در دوران های مختلف تاریخ برای تحریف آن برنامه ریزی کنند، چرا که آنان از جهل مردم تغذیه می کنند، و بیداری امت اسلامی بنیاد حاکمیت آنها را فرو می ریزد.

نقش فرهنگ عاشورا در پیروزی انقلاب اسلامی ایران و نهضت های آزادی بخش اسلامی، موجب گردیده که تلاش های استکبار جهانی و در رأس آنها آمریکا برای تحریف فرهنگ عاشورا

ص: ۲۴

مضاعف گردد و با توطئه‌های پیچیده‌تری وارد عرصه نبرد با این میراث گرانبهای فرهنگی شوند. (۱) اکنون باید دید چگونه فرهنگ اصیل عاشورا به وسیله دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه تحریف می‌شود؟ و چه آفاتی مجالس عزاداری سالار شهیدان را تهدید می‌کند؟

پاسخ اجمالی این سؤال این است که: هر چه با فلسفه عزاداری یعنی: جهل‌زدایی جامعه اسلامی و نیز با ویژگی‌های مجالس عزاداری هدفمند، یعنی: خدامحوری، ارائه تحلیل واقع بینانه از حادثه عاشورا و بهره‌گیری صحیح از احساسات و عواطف مردم نسبت به اهل بیت علیهم السلام، در تضاد باشد، آفت مجالس عزاداری سید الشهداء است. اینک برای توضیح این اجمال به مهم‌ترین آسیب‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. تحریف هدف عزاداری

خطرناکترین آفت عزاداری سید الشهداء، تحریف هدف آن است. پیش از این اشاره کردیم که فلسفه عزاداری امام حسین با فلسفه شهادت آن حضرت یکی است، بنا بر این تحریف هدف عزاداری، تحریف هدف شهادت آن بزرگوار نیز هست.

۱- برای نمونه بنگرید به کتاب «نقشه‌ای برای جدایی مکاتب الهی...»، روزنامه جمهوری اسلامی ۱۶/۱۲/۱۳۸۴، ش ۷۷۲۲.

ص: ۲۵

این تحریف به دو گونه می‌تواند تجلی یابد: یکی آن که به جای روشنی بخشی و احیاگری تنها به آمرزش گناهان و پاک‌سازی معنوی خلاصه گردد.

و دیگر آن که به جای تأکید بر بُعد حماسی به جنایت یزیدیان و ستمگران در این حادثه پرداخته شود.

این سخن بدان معنا نیست که آمرزش گناهان و پاک‌سازی معنوی بر عزاداری بار نیست و یا این که نباید جنایت‌های ستم‌پیشگان را برشمرد، بلکه غرض پرهیز از نگاه تجزیه‌ای است.

اینک به توضیح این دو مطلب می‌پردازیم:

اگر به جای جهل‌زدایی و احیاء ارزش‌های اسلامی، فلسفه عزاداری برای سالار شهیدان، در پاک‌سازی گناه کاران از گناه خلاصه شود، در واقع هدف شهادت امام و عزاداری برای آن حضرت تحریف شده است، یعنی دقیقاً همان تحریفی که در آیین مسیحیت در مورد حضرت عیسی تحقق یافت.

استاد شهید مطهری در این باره می‌گوید:

من نمی‌دانم کدام جانی یا جانی‌هایی جنایت را به شکل دیگری بر حسین بن علی وارد کردند، و آن این که هدف حسین بن علی را مورد تحریف قرار دادند و همان چرندی را که مسیحی‌ها در مورد مسیح گفتند درباره حسین گفتند که حسین کشته شد برای آن که بار گناه امت را به دوش بگیرد، برای این که ما گناه بکنیم و خیالمان راحت

ص: ۲۶

باشد، حسین کشته شد برای این که گناهکار تا آن زمان کم بود، بیشتر بشود (۱) استاد مطهری درباره نوعی دیگر از تحریف هدف عزاداری و گریه بر امام حسین علیه السلام چنین می گوید:

چرا ائمه اطهار علیهم السلام (حتی از پیغمبر اکرم روایت است) گفتند که این نهضت باید زنده بماند، فراموش نشود، مردم برای امام حسین بگریند؟ هدف آنها از این دستور چه بوده است؟ ما آن هدف واقعی را مسخ کردیم. گفتیم فقط به خاطر این است که تسلی خاطری برای حضرت زهرا علیها السلام باشد! با این که ایشان در بهشت همراه فرزند بزرگوارشان هستند، دائماً بی تابی می کنند تا ما مردم بی سر و پا یک مقدار گریه کنیم تا تسلی خاطر پیدا کنند، آیا توهینی بالاتر از این برای حضرت زهرا پیدا می کنید؟! (۲)

خیال می کنیم حسین بن علی در آن دنیا منتظر است که مردم برایش دلسوزی کنند یا العیاذ بالله حضرت زهرا علیها السلام بعد از هزار و سیصد سال، آن هم در جوار رحمت الهی، منتظر است که ... برای او گریه بکنند تا تسلی خاطر پیدا کند!

چند سال پیش در کتابی دیدم که نویسنده مقایسه ای میان حسین بن علی و عیسی مسیح کرده بود، نوشته بود که عمل مسیحیها بر عمل مسلمین (شیعیان) ترجیح دارد، زیرا آنها روز شهادت عیسی مسیح

۱- حماسه حسینی: ج ۱ ص ۱۲۷.

۲- حماسه حسینی: ج ۱ ص ۷۸.

ص: ۲۷

را جشن می گیرند و شادمانی می کنند، ولی اینها در روز شهادت حسین بن علی مرثیه خوانی و گریه می کنند. عمل آنها بر عمل اینها ترجیح دارد، زیرا آنها شهادت را برای عیسی مسیح موفقیت می دانند نه شکست، و چون موفقیت می دانند شادمانی می کنند. اما مسلمین شهادت را شکست می دانند و چون شکست می دانند گریه می کنند.

خوشا به حال ملّتی که شهادت را موفقیت بشمارد و جشن بگیرد و بدا به حال ملّتی که شهادت را شکست بداند و به خاطر آن مرثیه خوانی بکند.

جواب این است که اوّلًا دنیای مسیحی که این شهادت را جشن می گیرد، روی همان اعتقاد خرافی است که می گوید عیسی کشته شد تا بار گناه ما بریزد، و چون به خیال خودش سبکبال شده و استخوانش سبک شده آن را جشن می گیرد، در حقیقت او جشن سبکی استخوان خودش را به خیال خودش می گیرد، و این یک خرافه است. ثانیاً این همان فرق اسلام و مسیحیت تحریف شده است که اسلام یک دین اجتماعی و مسیحیت، دینی است که همه آن چیزی که دارد اندرز اخلاقی است. از طرف دیگر گاه به یک حادثه از نظر فردی نگاه می کنیم و گاه از نظر اجتماعی. از نظر اسلام شهادت حسین بن علی از دیدگاه فردی یک موفقیت بود. (۱) گفتنی است که آن چه تحریف هدف عزاداری برای امام حسین علیه السلام است خلاصه کردن آن در پاک سازی گناهان شبیه باور خرافی

ص: ۲۸

مسیحیان درباره مصلوب شدن حضرت عیسی است و این به معنای نفی نقش عزاداری در آموزش گناهان نیست. به سخن دیگر، هدف عزاداری بر امام حسین علیه السلام جهل‌زدایی و احیاء ارزش‌های دینی است و عزاداری با این هدف برکات فراوانی برای فرد و جامعه دارد (۱) که یکی از آنها آموزش گناهان و سالم‌سازی روانی انسان‌هاست که این برکت نیز دقیقاً در جهت احیاء ارزش‌های اسلامی قرار دارد.

از سوی دیگر حادثه عاشورا در یک نگاه کلی و واقع‌بینانه، دارای دو بُعد است: یکی بُعد جنایت و مظلومیت و دیگری بُعد حماسه، عزت و عظمت. از این رو تحلیل و تبیین صحیح این حادثه در صورتی امکان‌پذیر است که این دو بُعد در کنار هم دیده شود و ارائه گردد، در غیر این صورت، مخاطب درک درستی از این جریان مهم تاریخ اسلام پیدا نخواهد کرد.

استاد مطهری قدس سره در این باره می‌گوید:

حادثه عاشورا و تاریخچه کربلا- دو صفحه دارد: یک صفحه سفید و نورانی و یک صفحه تاریک، سیاه و ظلمانی که هر دو صفحه‌اش یا بی‌نظیر است و یا کم‌نظیر.

اما صفحه سیاه و تاریکش از آن نظر سیاه و تاریک است که در آن فقط جنایت بی‌نظیر و یا کم‌نظیر می‌بینیم

۱- ر. ک: دانش‌نامه امام حسین علیه السلام: بخش یازدهم/ فصل چهارم: گریستن و گریاندن بر سیدالشهدا و یارانش / ثواب گریه بر آنان.

ص: ۲۹

از این نظر حادثه کربلا- یک جنایت و یک تراژدی است، یک مصیبت است، یک رثاء است. این صفحه را که نگاه می‌کنیم، در آن، کشتن بی‌گناه می‌بینیم، کشتن جوان می‌بینیم، کشتن شیرخوار می‌بینیم، اسب بر بدن مرده تاختن می‌بینیم، آب ندادن به یک انسان می‌بینیم، زن و بچه را شلاق زدن می‌بینیم، اسیر را بر شتر بی‌جهاز سوار کردن می‌بینیم. از این نظر قهرمان حادثه کیست؟ واضح است وقتی که حادثه را از جنبه جنایی نگاه کنیم، آن که می‌خورد قهرمان نیست، آن بیچاره مظلوم است. قهرمان حادثه در این نگاه یزید بن معاویه است، عبید الله بن زیاد است، عمر سعد است، شمر بن ذی الجوشن است، خولی است و یک عده دیگر. لذا وقتی که صفحه سیاه این تاریخ را مطالعه می‌کنیم، فقط جنایت و رثاء بشریت را می‌بینیم. پس اگر بخواهیم شعر بگوییم چه باید بگوییم؟ باید مرثیه بگوییم و غیر از مرثیه گفتن چیز دیگری نیست که بگوییم. باید بگوییم:

ز آن تشنگان هنوز به عتیق می‌رسد فریاد العطش زیبابان کربلا (۱)

اما آیا تاریخچه عاشورا فقط همین یک صفحه است؟

آیا فقط رثاء است؟ فقط مصیبت است و چیز دیگری نیست؟

اشتباه ما همین است. این تاریخچه یک صفحه دیگر هم دارد که قهرمان آن صفحه، دیگر پسر معاویه نیست، پسر زیاد نیست، پسر سعد نیست، شمر نیست. در آنجا، قهرمان حسین است. در آن

ص: ۳۰

صفحه، دیگر جنایت نیست، تراژدی نیست، بلکه حماسه است، افتخار و نورانیت است، تجلی حقیقت و انسانیت است، تجلی حق پرستی است. آن صفحه را که نگاه کنیم، می‌گوییم بشریت حق دارد به خودش ببالد. اما وقتی صفحه سیاهش را مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که بشریت سرافکنده است و خودش را مصداق آن آیه می‌بیند که می‌فرماید: «قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ» (۱)

مسلماً جبرئیل امین در مقابل اعلام خدا که فرمود: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (۲)

سؤالی نمی‌کند، بلکه آن دسته از فرشتگان که فقط صفحه سیاه بشریت را می‌دیدند و صفحه دیگر آن را نمی‌دیدند، از خدا این سؤال را کردند که آیا می‌خواهی کسانی را در زمین قرار دهی که فساد کنند و خون‌ها بریزند؟ و خدا در جواب آنها فرمود: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (۳) آن صفحه، صفحه‌ای است که ملک اعتراض می‌کند؛ بشر سرافکنده است و این صفحه، صفحه‌ای است که بشریت به آن افتخار می‌کند.

چرا باید حادثه کربلا را همیشه از نظر صفحه سیاهش مطالعه کنیم؟

و چرا باید همیشه جنایتهای کربلا گفته شود؟ چرا همیشه باید حسین بن علی از آن جنبه‌ای که مورد جنایت جانیان است مورد

۱- ملائکه گفتند: پروردگارا! آیا در زمین کسی را خواهی گماشت که در آن فساد کند و خونها بریزد و حال آنکه ما خود، تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم؟ (بقره: آیه ۳۰).

۲- من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد (بقره: آیه ۳۰).

۳- من می‌دانم چیزی را که شما نمی‌دانید (بقره: آیه ۳۰).

ص: ۳۱

مطالعه ما قرار بگیرد؟ چرا شعارهایی که به نام حسین بن علی می‌دهیم و می‌نویسیم، از صفحه تاریک عاشورا گرفته شود؟ چرا ما صفحه نورانی این داستان را کمتر مطالعه می‌کنیم، در حالی که جنبه حماسی این داستان صد برابر جنبه جنائی آن می‌چربد و نورانیت این حادثه بر تاریکی آن خیلی می‌چربد، پس باید اعتراف کنیم که یکی از جانی‌های بر حسین بن علی ما هستیم که از این تاریخچه فقط یک صفحه‌اش را می‌خوانیم و صفحه دیگرش را نمی‌خوانیم. (۱)

۲. استناد به منابع غیر معتبر

یکی از آسیب‌هایی که خصوصاً در قرن‌های اخیر عزاداری امام حسین علیه السلام را تهدید می‌کند، استناد و استفاده اهل منبر و مرثیه‌سرایان از منابع غیر معتبر و غیر قابل استناد (۲) است. نکته قابل توجه این که تاریخ عاشورا بیش از هر موضوع دیگر، دارای منابع معتبر و قابل استناد است، و مرثیه‌سرایان متعهد و آگاه اصولاً نیازی به استفاده از منابع غیر قابل استناد ندارند. به گفته شهید مطهری: اگر کسی تاریخ عاشورا را بخواند می‌بیند از زنده‌ترین و مستندترین و

۱- حماسه حسینی: ج ۱ ص ۱۲۱-۱۲۵.

۲- برای اطلاع از منابع قابل استناد و منابع غیر قابل استناد تاریخ عاشورا مراجعه کنید به فصل پنجم این کتاب.

ص: ۳۲

از پر منبع ترین تاریخ ها است. مرحوم آخوند خراسانی (۱) فرموده بود آنها که به دنبال روضه نشنیده می روند، بروند روضه های راست را پیدا کنند که آنها را احدی نشنیده است. (۲) شماری از مرثیه سرایان می پندارند هر چه چاپ و منتشر شد قابل استناد است و کاری با اعتبار منبع ندارند، نویسنده ارجمند کتاب لؤلؤ و مرجان درباره برخی از مطالب نادرستی که بر زیارت معتبر وارث افزوده شده می گوید:

روزی طلبه ای را دیدم که آن دروغ های قبیحه را برای شهدا می خواند، دستی بر کتفش گذاشتم، ملتفت من شد، گفتم: از اهل علم قبیح نیست چنین اکاذیب در چنین محضر؟! گفت: مگر مروی نیست؟ تعجب کردم، گفتم: نه. گفت: در کتابی دیدم. گفتم: در کدام کتاب؟ گفت: مفتاح الجنان (۳). ساکت شدم، کسی که در بی اطلاعی کارش به اینجا رسد که جمع کرده بعضی عوام را کتاب شمرد و مستند قرار دهد، قابل سخن گفتن نیست. (۴)

۱- آخوند شیخ محمد کاظم بن حسین هروی خراسانی متولد سال ۱۲۵۵ ق در مشهد و متوفی سال ۱۳۲۹ در نجف از اکابر علما امامیه و اصولی نامی است که در تدریس اصول فقه، یگانه عصر خود بود و نسبت به مشروطه و انقلاب سیاسی ایران کمک شایانی نمود.

۲- حماسه حسینی: ج ۱ ص ۵۶.

۳- مفتاح الجنان در ادعیه و اعمال روزها و ماه ها و زیارت ها و برخی وردها و ختومات که بارها چاپ شده و مؤلفش ناشناخته است، برخی مطالب را آورده که سندش مشخص نیست، بلکه مطالبی دارد که قطعاً سند ندارند (الذریعة: ج ۲۱ ص ۳۲۴ ش ۵۲۹۴).

۴- لؤلؤ و مرجان: ص ۱۶۴.

ص: ۳۳

بسیاری از مطالب بی‌اساس و دروغ که موجب وهن اهل بیت علیهم السلام است و متأسفانه به عنوان مرثیه مطرح می‌گردد ریشه در منابع غیر معتبر دارد، و از این رو منبع‌شناسی (۱) در کنار اخلاص نخستین شرط ذاکران و مرثیه‌سرایان راستین تاریخ خونبار عاشورا است و کسانی که فاقد این شرط باشند، شایستگی برای ذکر مصیبت اهل بیت علیهم السلام ندارند:

شخصی در شهر کرمانشاه خدمت عالم کامل جامع فریدی، آقا محمدعلی صاحب مقام و غیره - قدس سره - رسیده و عرض کرد: در خواب می‌بینم به دندان خود گوشت بدن مبارک حضرت سید الشهداء علیه السلام را می‌کنم! آقا او را نمی‌شناخت، سر به زیر انداخت و متفکر شد، پس به او فرمود: شاید روضه‌خوانی می‌کنی؟! عرض کرد: بلی. فرمود: یا ترک کن یا از کتب معتبره نقل کن.

(۲)

۳. گزارش‌های ذلت‌بار

اشاره

حسین بن علی علیه السلام مظهر عزت الهی و عاشورا جلوه‌گاه حماسه و عزت حسینی، و شعار دشمن شکن «هیهات منّا الذّله» میراث گرانمای اوست، در منابع معتبر گزارش شده که آن حضرت ضمن یک سخنرانی حماسی در روز عاشورا خطاب به سپاه دشمن فرمود:

أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ، بَيْنَ السَّلَّةِ وَالذِّلَّةِ،

۱- برای آشنایی با منابع معتبر و غیر معتبر تاریخ عاشورا مراجعه کنید به کتابهایی چون: معرفی و نقد منابع عاشورا، عاشورا پژوهی، کتاب‌شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام. و نیز، ر. ک: فصل پنجم: کتاب‌شناسی تاریخ عاشورا و عزاداری.

۲- لؤلؤ و مرجان: ص ۲۵۳-۲۵۴.

ص: ۳۴

وَهِيهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ، يَا بَنِي اللَّهِ لَنَا ذَلِكَ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ، وَحُجُورٌ طَابَتْ، وَحُجُورٌ طَهَّرَتْ، وَأَنُوفٌ حَمِيَّةٌ وَنُفُوسٌ أَيْيَةٌ، مِنْ أَنْ تُؤَثَّرَ طَاعَةُ
اللَّئَامِ عَلَى مَصَارِعِ الْكِرَامِ. (۱)

هان! خوانده شده، پسر خوانده شده، مرا میان دو چیز قرار داده است: شمشیر و خواری. خواری از ما دور است و خداوند، آن را
برای ما نمی‌پذیرد، و نیز پیامبرش و مؤمنان و دامن‌هایی پاک و پاکیزه و جان‌هایی غیرتمند و خوددار که اطاعت از لیثمان را بر
مرگی کریمانه، مقدم نمی‌دارند.

و نیز در پاسخ به کسانی که به او گفتند:

لَا نُخْلِيكَ حَتَّى تَضَعَ يَدَكَ فِي يَدِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ.

تو را رها نخواهیم ساخت تا دست در دست عبید الله بن زیاد نگذاری.

فرمود:

لَا وَاللَّهِ، لَا أُعْطِي بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ، وَلَا أَفِرُّ فِرَارَ الْعَبِيدِ، «إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ» (۲) «إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ
مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ» (۳). (۴)

۱- الملهوف: ص ۱۵۵، الاحتجاج: ج ۲ ص ۹۷ و نیز، ر. ک: دانش‌نامه امام حسین علیه السلام: احتجاج‌های امام بر سپاه کوفه.

۲- دخان: آیه ۲۰.

۳- غافر: آیه ۲۷.

۴- مشیر الأحرار: ص ۵۱ و نیز، ر. ک: دانش‌نامه امام حسین علیه السلام: مکارم اخلاقی امام حسین علیه السلام/ عزت نفس.

ص: ۳۵

نه به خدا سوگند که نه بسان ذلت زدگان، دست ذلت به دست خود کامگان خواهم داد و نه بسان بردگان پا به فرار خواهم نهاد «من به پروردگار خویش و پروردگار شما پناه می‌برم از اینکه مرا سنگباران نمایید». «من از شرارت هر عنصر حق ناپذیر و متکبری که به روز حساب ایمان نمی‌آورد به پروردگار خود و شما پناه می‌برم».

بنا بر این هر گزارشی از تاریخ عاشورا که حاکی از پذیرش ذلت توسط آن حضرت است، دروغ و ساخته و پرداخته دشمنان اوست مانند آن چه گزارش شده که فرموده:

اخْتَارُوا مِنِّي خِصَالًا ثَلَاثًا: إِمَّا أَنْ أَرْجَعَ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي أَقْبَلْتُ مِنْهُ، وَإِمَّا أَنْ أَضَعَ يَدِي فِي يَدِ يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ، فَيَرِي فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ رَأْيَهُ، وَإِمَّا أَنْ تُسَيِّرُونِي إِلَى أَى تَغْرٍ مِنْ تَغُورِ الْمُسْلِمِينَ شِئْتُمْ، فَأَكُونَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِهِ، لِي مَا لَهُمْ، وَعَلَى مَا عَلَيْهِمْ. (۱)

یکی از سه پیشنهاد مرا بپذیرید: یا به همان جایی که از آنجا آمده‌ام بازگردم و یا دستم را در دست یزید بن معاویه بگذارم و میان من و خود حکم کند و یا مرا به هر یک از مرزهای مسلمانان که می‌خواهید بفرستید و من هم مانند یکی از ساکنان همانجا شوم با همان وظایف و حقوق.

یا آن چه کتاب نور العین به آن حضرت نسبت داده که وقتی شمر

۱- تاریخ الطبری: ج ۵ ص ۴۱۳ و نیز، ر. ک: دانش‌نامه امام حسین علیه السلام: دیدار امام و ابن سعد میان دو لشکر.

ص: ۳۶

می خواست آن حضرت را به قتل برساند، فرمود:

إِذَا وَلَا بُدَّ مِنْ قَتْلِي فَاسْقِنِي شَرْبَةَ مَاءٍ، فَقَالَ: هَيْهَاتَ أَنْ تَذُوقَ الْمَاءَ! بَلْ تَذُوقُ الْمَوْتَ غُصَّةً بَعْدَ غُصَّةٍ، وَجُرْعَةً بَعْدَ جُرْعَةٍ. (۱)

بنابراین، حال که کشتنم قطعی است، پس جرعه ای آب به من بده. او گفت: هرگز اگر قطره ای آب بچشی! بلکه مرگ را به صورت گلوگیر و جرعه جرعه ای می چشی.

این گونه گزارش ها علاوه بر این که با محکمت تاریخ عاشورا و موضع گیری های امام در طول زندگی افتخارآمیز او، منافات دارد، مخالف اصول باورهای شیعه در مورد جایگاه والای خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله است. و بر این اساس یکی از آفات مجالس عزاداری سید الشهداء مرثیه سرایی ذلت آمیز برای آن حضرت است، و بر ذاکران مخلص اهل بیت علیهم السلام فرض است که از هر سخن و تعبیری که حاکی از اظهار ذلت آن بزرگوار و یا اهل بیت ایشان در حادثه عاشورا باشد، جداً اجتناب کنند. در این باره محدث نوری در کتاب لؤلؤ و مرجان رؤیای صادقه ای را از روضه خوان معروفی بدون ذکر نام نقل کرده که حقیقتاً تکان دهنده است!

چرا ذلت فرزندم حسین را خواندی؟!

«سید فاضلی از معتبرین روضه خوانان، شبی در خواب دید که: گویا

ص: ۳۷

قیامت برپا شده و خلق در نهایت وحشت و حیرت، و هر کس به حال خود مشغول، و ملائکه ایشان را می‌رانند به سوی حساب، و با هر تنی دو موکل بود. من چون این داهیه را دیدم در اندیشه عاقبت خود که با این بزرگی امر به کجا خواهد کشید؟ در این حال دو نفر از آن جماعت مرا امر نمودند به حضور در محضر خاتم النبیین صلی الله علیه و آله، چون مآل کار خطرناک بود مسامحه کردم، قهراً مرا کشاندند، یکی در پیش، دیگری در عقب و من در وسط. هراسان و ترسناک سیر می‌کردیم که دیدم عمارى بسیار بزرگى بر دوش جماعتى از طرف راست راه می‌روند، با الهام الهی دانستم که در آن عمارى سیده زنان عالم است - صلوات الله علیها - و چون به عمارى نزدیک شدم فرصت را غنیمت دانسته از دست موکلان فرار و خود را به زیر عمارى رساندم. آن را قلعه‌ای محکم و محل منیعی دیدم که پیش از من جمعی از گناه‌کاران به آنجا پناه برده بودند، و موکلین را دیدم از عمارى دور و قدرت بر نزدیک شدن به عمارى، ندارند و به همان اندازه دورى با ما سیر می‌کنند و به اشاره التماس کردند برگردیم، قبول نکردیم، آن گاه به اشاره ما را تهدید کردند، چون تکیه‌گاه خود را محکم دیدیم ما نیز ایشان را تهدید می‌کردیم.

و با همین قوت قلب سیر می‌کردیم که ناگاه رسولی از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و به آن معظمه از جانب آن جناب گفت که:

جمعی از گناهکاران امت به تو پناه آورده‌اند، ایشان را روانه کن که به حساب ایشان برسیم، پس آن مخدیره اشاره فرمود که موکلان از هر

ص: ۳۸

طرف رسیدند و ما را به موقف حساب کشاندند. در آنجا منبری دیدیم بسیار بلند که پله‌های زیادی داشت و سید انبیاء صلی الله علیه و آله بر بالای آن نشسته و امیرالمؤمنین علیه السلام بر پله اول آن ایستاده و مشغول است به رسیدن حساب خلائق. و آنها در پیش روی آن حضرت صف کشیده، چون نوبت حساب به من رسید مرا مخاطب کرد و به نحو سرزنش و توبیخ فرمود: «چرا ذلت فرزندم حسین را خواندی و او را به مذلت و خواری نسبت دادی؟». پس در جواب متحیر شدم و جز انکار چاره‌ای ندیدم، پس منکر شدم که نخواندم. پس دیدم دردی به بازویم رسید گویا میخ آهنی در آن فرو رفته ملتفت شدم به طرف خود مردی را، دیدم که در کفش طوماریست، آن را به من داد، گشودم دیدم صورت مجالس من در آن بود و در هر جا و هر وقت و هر چه خوانده بودم در آن ثبت شده بود و از آن جمله همان فقره که از من سؤال کردند.

پس حيله ديگر به خاطر ام آمد، گفتم: مجلسی رحمه الله آن را در جلد دهم بحار ذکر کرده، پس به یکی از خدام حاضرین فرمود: برو از مجلسی آن کتاب را بگیر، پس ملتفت شدم دیدم از طرف راست منبر صفوف بسیار است که اول آن جنب منبر و آخر آن خدای داند که به کجا منتهی می‌شود و هر عالمی مؤلفاتش در پیش رویش گذاشته، شخص اول در صف اول مرحوم مجلسی است. چون رسول حضرت پیغام را به او رساند در میان کتب آن کتاب را برداشت به او داد، گرفت آورد. اشاره فرمود به من دهد، گرفتم و در بحر تحیر فرو

ص: ۳۹

رفتم؛ زیرا که غرض از آن حيله و افتراء خلاصی از آن مهلكه بود.

پس پاره‌ای اوراق آن را بیهوده به هم زدم، در آن حال حيله دیگر به خاطر آمد، پس گفتم: آن را در مقتل حاجی ملا- هادی برغانی دیدم، باز به خادمی فرمود: برو به او بگو کتاب را بیاورد، و رفت و گفت: در صف ششم یا هفتم شخص ششم یا هفتم حاجی مذکور بود، کتاب را خود برداشت و آورد.

پس امر فرمود آن فقره را در آن کتاب پیدا کنم، دو مرتبه خوف برگشت و مضطرب شدم و راه چاره از هر طرف بسته شد، بیهوده مشغول بر گرداندن اوراق بودم با قلب هراسان.

تا آن که می‌گویند: چون از خواب بیدار شد جماعتی از اهل صنف خود را جمع کرد و آنچه در خواب دیده بود نقل نمود و گفت: اما من پس در خود قوه اقامه شروط روضه‌خوانی را نمی‌بینم، آن را ترک می‌کنم و هر که مرا تصدیق می‌کند سزاوار است او نیز دست از آن بکشد. با آنکه سالیانه مبالغ خطیری از این راه به او می‌رسید از آن چشم پوشیده دست از روضه‌خوانی کشید». (۱)

۴. غلو

گزارش‌های ذلت‌بار، پایین آوردن و غلو بالا-تر بردن اهل بیت از جایگاه واقعی آنها است که متأسفانه، هر دو آفت در برخی مجالس

ص: ۴۰

مرثیه سرایی مشاهده می شود.

شیخ المحدثین، ابن بابویه روایتی را از امام رضا علیه السلام نقل کرده که دلالت دارد بر این که غلو یک توطئه حساب شده دشمنان اهل بیت برای بدبین کردن مردم به آنان و منزوی کردن خاندان رسالت بوده است، متن سخن امام این است:

إِنْ مُخَالَفِينَا وَضَعُوا أَخْبَاراً فِي فِضَائِلِنَا وَجَعَلُوهَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ:

أَحَدُهَا الْغُلُوُّ، وَثَانِيهَا التَّقْصِيرُ فِي أَمْرِنَا، وَثَالِثُهَا التَّصْرِيحُ بِمِثَالِبِ أَعْدَائِنَا؛ فَإِذَا سَجَعَ النَّاسُ الْغُلُوَّ فِينَا كَفَرُوا شِيعَتَنَا وَنَسَبُوهُمْ إِلَى الْقَوْلِ بِرُبُوبِيَّتِنَا، وَإِذَا سَمِعُوا التَّقْصِيرَ اعْتَقَدُوهُ فِينَا، وَإِذَا سَمِعُوا مِثَالِبَ أَعْدَائِنَا بِأَسْمَائِهِمْ تَلَبَّوْنَا بِأَسْمَائِنَا. (۱)

مخالفین ما سه نوع خبر در فضایل ما جعل کرده اند: ۱- غلو، ۲- کوتاهی در حق ما، ۳- تصریح به بدی های دشمنان ما و دشنام به آنان. وقتی مردم اخبار غلو را می شنوند، شیعیان ما را تکفیر می کنند و می گویند: شیعه قائل به ربوبیت ما می باشد و وقتی کوتاهی در حق ما را می شنوند به آن معتقد می شوند و وقتی بدی های دشمنان ما را می شنوند ما را دشنام می دهند.

بنا بر این، کسانی که در مجالس عزاداری، اهل بیت علیهم السلام را جایگزین خدا می کنند و به جای خدا محور کردن مجالس امام حسین و پیوند دادن دل ها به خدا از طریق اهل بیت که ابواب الهی هستند،

۱- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۳۰۴ ح ۶۳، بشاره المصطفی: ص ۲۲۱، بحار الأنوار: ج ۲۶ ص ۲۳۹ ح ۱.

ص: ۴۱

مردم را به «حسین اللهی» شدن و «زینب اللهی» گردیدن دعوت می نمایند و یا برای بزرگداشت اهل بیت، انبیاء بزرگ الهی را کوچک جلوه می دهند، آگاهانه یا ناخودآگاه، در خدمت اهداف دشمنان اهل بیت قرار گرفته اند و سید الشهداء از آنان بیزار است.

(۱)

۵. دروغ

اشاره

زشت ترین و خطرناک ترین دروغ ها (۲)، دروغ بستن به خدا و پیامبر خدا و اهل بیت است که از گناهان کبیره شمرده شده و موجب بطلان روزه می گردد. (۳) مرثیه سرایانی که بدون حجت شرعی، سخنی را به خدا و اهل بیت نسبت می دهند نه تنها خادم و ذاکر امام حسین علیه السلام نیستند بلکه باید بدانند که کار آنها گناه کبیره است.

حقیقتاً برای بسیاری از مردم باور کردن این معنا سخت است که روضه خوانی دروغ مرثیه سرایی کند، ولی با کمال تأسف باید به این واقعیت تلخ اعتراف کرد، بلکه برای این مصیبت بزرگی که تاریخ عاشورا بدان مبتلا گردیده باید بیش از مصیبت عاشورا گریست، چرا که این مصیبت پامال کردن نهضت مقدس حسینی است!

۱- برای آگاهی بیشتر درباره خطر غلو درباره اهل بیت مراجعه کنید به کتاب اهل بیت در قرآن و حدیث: بخش سیزدهم: غلو درباره اهل بیت.

۲- برای آشنایی با اقسام دروغ مراجعه کنید به کتاب لؤلؤ و مرجان: «مقام چهارم».

۳- الکافی: ج ۲ ص ۳۴۰ ح ۹.

ص: ۴۲

برای توضیح این اجمال، علاقمندان می‌توانند به کتاب لؤلؤ و مرجان که توسط محدث نوری در سال ۱۳۱۹ هجری قمری تألیف شده و کتاب حماسه حسینی اثر استاد شهید مطهری مراجعه کنند. و اینک نگاهی کوتاه به این دو کتاب از این منظر:

دروغ در مرثیه‌سرایی در دوران گذشته

می‌توان گفت از موقعی که کتاب روضه الشهداء نوشته شد یعنی حدود سال نهصد هجری آسیب دروغ وارد عرصه مرثیه‌سرایی گردید، و به تدریج این آفت گسترش یافت به گونه‌ای که در اوایل قرن چهاردهم محدث نوری از گسترش این آفت احساس خطر کرد و به پیشنهاد یکی از علمای هندوستان اقدام به نوشتن کتاب لؤلؤ و مرجان کرد (۱). وی درباره انگیزه نوشتن این کتاب در آغاز آن می‌گوید:

جناب العالم العامل الجلیل الفاضل الکامل ... سید محمد مرتضی جونپوری هندی - ایده الله تعالی - مکرر از آنجا به حقیر شکایت از ذاکرین و روضه‌خوانان آن صوب کرده که در گفتن دروغ حریص و بی‌باک [اند] و اصرار تام در نشر اکاذیب و مجعولات دارند، بلکه نزدیک به آن رسیده که آن را جایز دانند و مباح شمارند، چون سبب گریانیدن مؤمنین است از دایره عصیان و قبح او را بیرون دانند! و امر

۱- استاد مطهری درباره این کتاب می‌گوید: «با این که کتاب کوچکی است ولی فوق العاده خوب است ... خیال نمی‌کنم در هیچ کتابی درباره دروغ و انواع آن به اندازه این کتاب بحث شده باشد و شاید نظیر این کتاب در دنیا وجود ندارد» (حماسه حسینی: ج ۱ ص ۱۹).

ص: ۴۳

فرمود که چند کلمه در این باب به طریق موعظه و مجادله حسنه نوشته، شاید سبب تنبه و دست برداشتن از این قبایح شود. ظاهراً جناب ایشان گمان دارند که در عتبات عالیات و بلاد مقدسه ایران این طایفه از این غائله آسوده و دامن عفت ایشان به لوث کذب و افترا آلوده نیست و این خرابی دینی منحصر است در همان بلاد، غافل از آن که نشر خرابی از سرچشمه در هر جا منتشر شده منتهی به مرکز علم و حوزه اهل شرع اعتبار عالییه است؛ چه اگر اهل علم مسامحه نمی‌کردند و مراقب تمیز صحیح و سقیم و صدق و کذب گفتار این طایفه می‌شدند و از گفتن اکاذیب نهی می‌کردند کار خرابی به اینجا نمی‌رسید. (۱) محدث نوری در بخشی دیگر از کتاب لؤلؤ و مرجان می‌گوید:

سکوت متمکنین سبب تجرّی و بی‌مبالا-تی این طایفه بی‌انصاف شده حتی در حریم‌های شریفه و روضات متبرکه، خصوص، حرم صاحب عزا حضرت سید الشهداء- روحنا و روح العالمین له الفداء- در غالب اوقات، سیّما در اسحار که موسم گریه و ناله و استغفار است به اقسام دروغ‌های عجیبه و گاهی به آوازهای مطربه، آن محضر انوار را تاریک نمایند. (۲)

نمونه‌هایی از روضه‌های دروغ از نگاه محدث نوری

اشاره

اینک به چند نمونه از مرثیه‌سرایی‌های دروغین که محدث نوری در

۱- لؤلؤ و مرجان: ص ۴.

۲- لؤلؤ و مرجان: ص ۳۲۱.

ص: ۴۴

کتاب «لؤلؤ و مرجان» آورده توجه فرمایید:

۱. اضافات داستان آمدن طبیب برای معالجه امام علی علیه السلام در بستر شهادت

نقل کنند از حبیب بن عمرو که رفت خدمت امیر المؤمنین علیه السلام بعد از رسیدن ضربت به فرق مبارکش، و اشراف و رؤساء قبایل و شرطه الخمیس در محضر انورش بودند. می گوید:

وَمَا مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا وَدَمْعٌ عَيْنِيهِ يَتَرَقُّ عَلَى سَوَادِهَا حُزْنًا عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

یکایک آنها بر اندوه بر امیر المؤمنین چشمانشان آکنده از اشک شد.

و به فرزندان آن جناب نظر کردم که سرها را به زیر انداخته

وَمَا تَنْفَسُ مِنْهُمْ مُتَنَفِّسٌ إِلَّا وَظَنَنْتُ أَنَّ شَطَايَا قَلْبِهِ تَخْرُجُ مِنْ أَنْفَاسِهِ.

کسی از آنها نبود مگر این که گمان کردم که پاره های قلبش با نفس هایش بیرون می آید.

می گوید: اطبا را جمع کردند و اثیر بن عمر ریه گوسفند را باد کرد و داخل آن جراحات کرد و بیرون آورد. دید به مغز سر آلوده است.

حاضرین پرسیدند:

فَخَرَسَ وَتَلَجَّلَجَ لِسَانُهُ؛ به لکنت افتاد و زبانش بند آمد.

مردم فهمیدند و مأیوس شدند، پس سرها به زیر انداخته آهسته می گریستند از ترس آنکه زنان بشنوند، جز اصبع بن نباته که طاقت نیاورد و نتوانست خودداری کند «دُونَ أَنْ شَرِقَ بَعْرَتِهِ» بلند گریست.

پس حضرت چشم باز کرد. و بعد از کلماتی حبیب می گوید:

ص: ۴۵

گفتم:

يَا أَيُّهَا الْحَسَنُ، لَا يَهْوَيْكَ مَا تَرَى، وَإِنَّ جُرْحَكَ غَيْرُ ضَائِرٍ، فَإِنَّ الْبَرْدَ لَا يُزِيلُ الْجَبَلَ الْأَصَمَّ، وَنَفْحَةُ الْهَجِيرِ لَا يُجَفِّفُ الْبَحْرَ الْخَضَمَّ، وَالصَّلَّ يَقْوَى إِذَا ارْتَعَشَ، وَاللَّيْثُ يَضْرِي إِذَا خُدِشَ.

ای ابوالحسن، آنچه می بینی، تو را به هراس نیندازد، جراحتت آسیبی به تو نمی زند. تگرگ صخره را از جا نمی کند و باد گرم نیمروزی، اقیانوس را نمی خشکاند. بچه افعی آن گاه نیرومند می شود که مرتعش شود و شیر آن گاه خطرناک می شود که زخمی شود.

بعد حضرت جوابی داد و ام کلثوم شنید و گریست. حضرت او را خواست، داخل شد خدمت پدر بزرگوارش.

و ظاهر این نقل چنین است که در حضور همه آن جماعت آمد و عرض کرد:

أَنْتَ شَمْسُ الطَّالِبِينَ، وَقَمَرُ الْهَاشِمِيِّينَ، دَسَّاسٌ كُتِبَهَا الْمُتَرَصِّدُ، وَأَرْقَمُ أَجْمَتِهَا الْمُتَفَقِّدُ، عَزْنَا إِذَا شَاهَتِ الْوُجُوهُ ذُلًّا، جَمَعْنَا إِذَا الْمَوَكِبُ الْكَثِيرُ قَلَّا

تو خورشید خاندان طالب، و ماه بنی هاشمی، ازدهایی هستی که در کمین نشسته و مار سهمگینی که مخفی و آماده حمله است، تو عزت مایی وقتی چهره ها از خواری سر افکنده می شوند، تو مایه وحدت و کثرت مایی هنگام کمی ها. تا آخر این خبر مسجع مقفی که از شنیدنش نفس محظوظ می شود و

ص: ۴۶

لکن صد حیف که اصل ندارد. و در اصل شریف ثقه جلیل عاصم بن حمید خبر عمرو و آمدن جراح را دارد، ابداً از این کلمات در آن چیزی یافت نمی‌شود. (۱) و همچنین ابو الفرج در مقاتل الطالبیین (۲) معالجه اثیر بن عمر را ذکر کرده بدون این شرح و حواشی. (۳)

۲. آب آوردن ابا الفضل برای سید الشهداء در کودکی!

نمونه دیگری از دروغ در مرثیه‌سرایی، داستانی است که محدث نوری آن را در کتاب خود به عنوان نمونه دیگر از دروغ‌پردازی آورده و شهید مطهری هم می‌گوید من آن را مکرر شنیده‌ام و آن داستان ساختگی این است: روزی امیرالمؤمنین علیه السلام در بالای منبر خطبه می‌خواند، حضرت سید الشهداء علیه السلام تشنه شد، آب خواست، حضرت به قنبر امر فرمود:

آب بیاور، عباس در آن وقت طفل بود، چون شنید تشنگی برادر را دوید نزد مادر و آب برای برادر گرفت در جامی و آن را بر سر گذاشت و آب از اطراف می‌ریخت، به همین قسم وارد مسجد [شد]، چشم پدر بر او افتاد گریست و فرمود: امروز چنین و روز عاشورا چنان، و قدری از مصائب او ذکر نمود الخ. (۴)

۱- ر. ک: الاصول الستة عشر (اصل عاصم بن حمید): ص ۱۷۸ ح ۱۴۰.

۲- ر. ک: مقاتل الطالبیین: ص ۵۱.

۳- لؤلؤ و مرجان: ص ۲۶۰-۲۶۲.

۴- لؤلؤ و مرجان: ص ۲۹۹.

ص: ۴۷

محدث نوری پس از اشاره به این داستان دروغ، در تبیین مجعول بودن آن می گوید: «این قصه البته در کوفه بود و اگر در مدینه بود باید اول خلافت آن حضرت باشد؛ زیرا که قبل از آن مسجد و منبری برای آن حضرت نبود. عمر شریف حضرت ابی عبد الله علیه السلام در آن زمان زیاده از سی سال بود، اظهار تشنگی کردن در آن مجلس عام و تکلم کردن در اثناء خطبه مکروه است یا حرام، با مقام امامت بلکه با اول درجه عدالت بلکه با رسوم متعارفه انسانیت مناسبتی ندارد». (۱) محدث نوری در ادامه برای توضیح بیشتر دروغ بودن این داستان می افزاید که: از آنجا که دروغگو حافظه ندارد، جاعل این داستان از یک سو حضرت ابوالفضل را کودکی خردسال معرفی می کند و از سویی می گوید: در جنگ صفین که دو سه سال پس از این واقعه بوده، وی هشتاد نفر را به هوا پرتاب می کرد به گونه ای که وقتی نفر هشتادم را به هوا پرتاب کرد هنوز اولی برنگشته بود و هر کدام بر می گشت با شمشیر او را دو حصه می نمود (۲)!

۳. پیمان گرفتن زینب علیها السلام از حبیب بن مظاهر

نمونه ای دیگر از گزارش های دروغ این که می گویند:

جناب زینب علیها السلام در شب عاشورا به جهت هم و غم و خوف از اعداء در میان خیمه ها سیر می کرد برای استخبار حال اقربا و انصار،

۱- همان.

۲- ر. ک: لؤلؤ و مرجان: ص ۲۹۹-۳۰۰.

ص: ۴۸

دید حبیب بن مظاهر اصحاب را در خیمه خود جمع کرده و از آنها عهد می‌گیرد که فردا نگذارند احدی از بنی هاشم قبل از ایشان به میدان بروند به شرحی طولانی، آن مخدره مسروراً آمد پشت خیمه ابوالفضل، دید آن جناب نیز بنی هاشم را جمع کرده و به همان قسم از ایشان عهد می‌گیرد که نگذارند احدی از انصار پیش از ایشان به میدان رود. مخدره مسرور خدمت حضرت رسید و تبسم کرد، حضرت از تبسم او تعجب کرد و سبب پرسید، آنچه دید عرض کرد ... تا آخر خبر که واضعش را در این فن مهارتی بود تمام. (۱)

۴. احوال‌پرسی امام حسین علیه السلام از زین العابدین علیه السلام در روز عاشورا

نقل کنند با سوز و گداز که در روز عاشورا بعد از شهادت اهل بیت و اصحاب، حضرت به بالین امام زین العابدین علیه السلام آمد، پس از پدر حال معامله آن جناب را با اعدا پرسید، خبر داد که به جنگ کشید، پس جمعی از اصحاب را اسم برد و از حال آنها پرسید، در جواب فرمود:

قتل قتل تا رسید به بنی‌هاشم و از حال جناب علی اکبر و ابی‌الفضل سؤال کرد، به همان قسم جواب داد و فرمود: بدان در میان خیمه‌ها غیر از من و تو مردی نمانده.

خلاصه این قصه است و حواشی بسیار دارد و صریح است در آنکه آن جناب از اول مقاتله تا وقت مبارزت پدر بزرگوارش ابداً از

ص: ۴۹

حال اقرباء و انصار و میدان جنگ خبری نداشت. (۱)

۵. داستان اسب امام حسین علیه السلام

خبر عجیب که متضمن است طلب کردن حضرت هنگام عزم رفتن به میدان، اسب سواری را، و کسی نبود آن را حاضر کند، پس مخدره زینب رفت و آورد و آن حضرت را سوار کرد بر حسب تعدد منابر، مکالمات بسیار بین برادر و خواهر ذکر می شود و مضامین آن در ضمن اشعار عربی و فارسی نیز در آمده و مجالس را با آن رونق دهند و به شور در آرند و الحق جای گریستن است اما نه بر این مصیبت بی اصل، بلکه در گفتن چنین دروغ واضح و افترا بر امام علیه السلام در بالای منابر و نهی نکردن آنان که متمکنند از نهی کردن به جهت بی اطلاعی یا ملاحظه عدم نقص در بعضی شئون. (۲)

۶. داستان عروسی حضرت قاسم

به گفته محدث نوری اولین کسی که این داستان را نوشت ملا حسین کاشفی در کتاب روضه الشهداء است (۳) و همان طور که استاد مطهری فرموده اصل داستان صد در صد دروغ است (۴)، چگونه می توان به امام

۱- همان: ص ۲۶۴-۲۶۵.

۲- همان: ص ۲۶۷.

۳- همان: ص ۲۸۸.

۴- حماسه حسینی: ج ۱ ص ۲۸.

ص: ۵۰

نسبت داد که در هنگام نبرد با دشمن و در حالی که مجال نماز خواندن هم به امام و یارانش داده نمی‌شود امام بگوید آرزو دارم عروسی دخترم را ببینم و در همین جا دخترم را برای پسر برادرم عقد می‌کنم و مراسم عروسی برپا می‌کنم؟!!

۷. نسبت دادن شعر ابو الحسن تهامی به امام حسین علیه السلام

ابو الحسن تهامی (م ۴۱۶) قصیده‌ای در رثاء فرزندش سروده که ضمن آن آورده:

يَا كَوْكَبًا مَا كَانَ أَقْصَرَ عُمرُهُ وَكَذَا تَكُونُ كَوَاكِبُ الْأَسْحَارِ

ای ستاره ای که چه عمر کوتاهی داشت آری! چنین‌اند ستارگان سحری

محدث نوری می‌گوید که این شعر را در بالای منبر با صراحت به امام حسین علیه السلام نسبت می‌دهند که در بالای سر حضرت علی اکبر خواند و خود در بعضی از کتابهای بافته جدید دیدم که در قصه شهادت علی اکبر به آن حضرت نسبت داده با چند بیت دیگر از آن قصیده. (۱)

۸. آمدن زینب علیها السلام به بالین برادر در قتلگاه

برخی از مرثیه‌سرایان به حضرت زینب چنین نسبت داده‌اند که در آخرین لحظات امام به بالین حضرت آمد و چنین کرد:

ص: ۵۱

وَرَأَتْهُ يَجُودُ بِنَفْسِهِ، وَرَمَتْ بِنَفْسِهَا عَلَيْهِ وَهِيَ تَقُولُ: أَنْتَ أَخِي، أَنْتَ رَجُلًا، أَنْتَ كَهْفُنَا، أَنْتَ حِمَانَا، الْخ. و ایشان را دید که در حال جان دادن بود، خود را به روی او انداخت و چنین می گفت: تو برادر منی، تو امید و پناه گاه ما و امان مایی.

محدث نوری این داستان را هم یکی از دروغ های مرثیه سرایان شمرده است. (۱)

۹. اسیری در این خانواده نبود

خبری است لطیف و متکی بر مقدماتی که احتمال دروغ را از ذهن سامعین محو کند و سند را به ابوحمره ثمالی بیچاره منتهی کنند که روزی آمد در خانه حضرت امام زین العابدین علیه السلام و در را کوبید، کنیزکی آمد، چون فهمید ابو حمزه است خدای را حمد کرد که او را رساند که حضرت را تسلی دهد، چون امروز دو مرتبه بیهوش شدند، پس داخل شد و تسلی داد به اینکه شهادت در این خانواده عادت و موروثی است، جد و عم و پدر و عم پدر همه شهید شدند. در جواب او را تصدیق نمودند و فرمودند: و لکن اسیری در این خانواده نبود، آنگاه شمه ای از حالت اسیری عمه ها و خواهران بیان کردند! (۲)

۱۰. چگونگی حضور امام صادق در مجلس عزاداری

اشاره

داستان مجعول دیگری را محدث نوری خلاصه آن را از مرثیه سرایان

۱- همان: ص ۲۶۸.

۲- همان.

ص: ۵۲

نقل می‌کند که به گفته ایشان سند آن را به هشام بن حکم مظلوم می‌رسانند که گفت: روزی بعضی از شیعیان او را دعوت به مجلس عزای جد بزرگوارش کرد، عذر خواست که باید در آن محضر حاضر باشم. گفت: رخصت بگیر. گفت: نشود که اسم این مطلب را در حضورش برد که طاقت ندارد. گفت: بی‌اذن بیا، گفت: روز بعد که مشرف شدم جویا می‌شوم، نتوانم راست گفت. بالاخره او را برد، بعد از آن مشرف شد.

حضرت جویا شد، بعد از تکرار عرض کرد، فرمود: «گمان داری من در آنجا نبودم (یا در چنین مجالس حاضر نمی‌شوم)» عرض کرد:

جنابت را در آنجا ندیدم. فرمود: «وقتی که از حجره بیرون آمدمی در محل کفش‌ها چیزی ندیدی؟» عرض کرد: جامه در آنجا افتاده بود.

فرمود: «من بودم که عبا بر سر کشیدم و روی زمین افتادم».^(۱)

دروغ در مرثیه‌سرایی در عصر حاضر

اشاره

نمی‌دانم تلاش‌های محدث نوری در راه مبارزه با دروغ‌گویی در مرثیه‌سرایی تا چه اندازه مؤثر بوده ولی در دوران زندگی ما نیز اگر وضع مرثیه‌سرایی اسف‌بارتر از آن چه ایشان توصیف کرده نباشد، بهتر از آن نیست.

۱- همان: ص ۲۶۹، محدث نوری در ادامه این نقل می‌افزاید: «چون درست حفظ نکردم شاید تحریفی در آن کرده باشم، خبر مفصل است و بسیار گریه‌آور، کاش پایه داشت و احتمال صدق در آن می‌رفت».

ص: ۵۳

«حماسه حسینی» استاد شهید مطهری، تلاشی است نو برای مبارزه با دروغ‌پردازی در مرثیه‌سرایی در دوران معاصر، استاد، درباره رواج این آفت در دوران معاصر می‌گوید:

اگر بخواهیم روضه‌های دروغی را که می‌خوانند جمع‌آوری کنیم شاید چند جلد کتاب پانصد صفحه‌ای بشود! (۱) اینک چند نمونه از مرثیه‌سرایی‌های دروغین که علامه مطهری خود در مجلس عزا بوده و شنیده:

۱. دعای لیلا برای علی اکبر

داستان مجعول منسوب به امام حسین علیه السلام که هنگامی که علی اکبر به میدان رفت امام به همسرش لیلا فرمود: «برو در خلوت دعا کن برای فرزندت ...» از زمان محدث نوری (۲) میان مرثیه سرایان رایج بوده، استاد مطهری نیز از این داستان به عنوان نمونه دیگر از تحریف وقایع عاشورا یاد می‌کند و می‌فرماید:

نمونه دیگر از تحریف در وقایع عاشورا که یکی از معروفترین قضایا شده است و حتی یک تاریخ هم به آن گواهی نمی‌دهد قصیه لیلا مادر حضرت علی اکبر است. البتّه ایشان مادری به نام لیلا داشته‌اند، ولی حتی یک مورخ نگفته که لیلا در کربلا بوده است. اما ببینید که

۱- حماسه حسینی: ج ۱ ص ۱۸.

۲- لؤلؤ و مرجان: ۱۵۳.

ص: ۵۴

چقدر ما روضه لیلا و علی اکبر داریم، روضه آمدن لیلا به بالین علی اکبر.

حَتَّى من در قم، در مجلسی که به نام آیت الله بروجردی تشکیل شده بود که البته خود ایشان در مجلس نبودند، همین روضه را شنیدم که علی اکبر به میدان رفت، حضرت به لیلا فرمود که: «از جَدَم شنیدم که دعای مادر در حقّ فرزند مستجاب است، برو در فلان خیمه خلوت موهایت را پریشان کن، در حقّ فرزندت دعا کن شاید خداوند این فرزند را سالم به ما برگرداند!»
 اولاً لیلابی در کربلا نبوده که چنین کند. ثانیاً اصلاً این منطق، منطق حسین نیست. منطق حسین در روز عاشورا، منطق جانبازی است. تمام مورّخین نوشته‌اند که هر کس اجازه می‌خواست، حضرت به هر نحوی که می‌شد عذری برایش ذکر کند، ذکر می‌کرد، به جز برای علی اکبر، فاستأذن فی القتال اباه فأذن له. یعنی تا اجازه خواست، گفت برو. حال چه شعرها که سروده نشد! از جمله این شعر که می‌گوید:

خیز ای بابا از این صحرا رویم نک بسوی خیمه لیلا رویم (۱)

۲. نذر کردن لیلا برای سلامتی علی اکبر

نمونه دیگری در همین مورد را که خیلی عجیب است من در همین تهران، در منزل یکی از علمای بزرگ این شهر، در چند سال پیش، از

ص: ۵۵

یکی از اهل منبر که روضه لیلا را می خواند شنیدم و من در آنجا چیزی شنیدم که به عمرم نشنیده بودم. گفت: بعد از اینکه حضرت لیلا رفت در آن خیمه و موهایش را پریشان کرد، نذر کرد که اگر خدا علی اکبر را سالم به او برگرداند و در کربلا کشته نشود از کربلا تا مدینه را ریحان بکارد. یعنی نذر کرد که سیصد فرسخ راه را ریحان بکارد! این را گفت و یک مرتبه زد زیر آواز:

نَذَرُ عَلَيَّ لَيْلَنَ عَادُوا وَإِنْ رَجَعُوا لَأَزْرَعَنَّ طَرِيقَ التَّفْتِ رِيحَانًا

من نذر کردم که اگر اینها برگردند راه تفت را ریحان بکارم.

این شعر عربی بیشتر برای من اسباب شد که این شعر از کجا پیدا شده؟ بعد به دنبال آن رفتم و گشتم، دیدم این تفتی که در این شعر آمده کربلا- نیست، بلکه این تفت سرزمین مربوط به داستان لیلی و مجنون معروف است که لیلی در آن سرزمین سکونت می کرده و این شعر مال مجنون عامری است برای لیلی، و این آدم این شعر را برای لیلا مادر علی اکبر و کربلا می خوانده. تصوّر کنید که اگر یک مسیحی یا یک یهودی یا یک آدم لامذهب آنجا باشد و این قضایا را بشنود، آیا نخواهد گفت که تاریخ اینها چه مزخرفاتی دارد؟ آنها که نمی فهمند که این داستان را این شخص از خودش جعل کرده است، بلکه می گویند- العیاذُ باللّٰه- زندهای اینها چقدر بی شعور بوده اند که نذر می کردند از کربلا تا مدینه را ریحان بکارند. (۱)

ص: ۵۶

۳. داستان پیرزنی که زمان متوکل به زیارت امام حسین علیه السلام می‌رود

اشاره

استاد مطهری می‌گوید: «در ده، پانزده سال پیش که به اصفهان رفته بودم، در آنجا مرد بزرگی بود، مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی اعلی الله مقامه، خدمت ایشان رفتم و روضه‌ای را که تازه در جایی شنیده بودم و تا آن وقت نشنیده بودم، برای ایشان نقل کردم.

کسی که این روضه را می‌خواند اتفاقاً تریاکی هم بود. این روضه را خواند و بقدری مردم را گریاند که حدّ نداشت. داستان پیرزنی را نقل می‌کرد که در زمان متوکل می‌خواست به زیارت امام حسین برود و آن وقت جلوگیری می‌کردند و دستها را می‌بریدند تا اینکه قضیه را به آنجا رساند که این زن را بردند و در دریا انداختند. در همان حال این زن فریاد کرد: یا ابا الفضل العباس! وقتی داشت غرق می‌شد سواری آمد و گفت رکاب اسب مرا بگیر. رکابش را گرفت، گفت: چرا دستت را دراز نمی‌کنی؟ گفت: من دست در بدن ندارم، که مردم خیلی گریه کردند.

مرحوم حاج شیخ محمد حسن تاریخچه این قضیه را این طور نقل کرد که: یک روز در حدود بازار، حدود مدرسه صدر (جریان، قبل از ایشان اتفاق افتاده و ایشان از اشخاص معتبری نقل کردند) مجلس روضه‌ای بود که از بزرگترین مجالس اصفهان بود و حتی مرحوم حاج ملا اسماعیل خواجه‌بویی که از علماء بزرگ اصفهان بود در آنجا شرکت داشت. واعظ معروفی می‌گفت که من آخرین منبری

ص: ۵۷

بودم، منبری‌های دیگر می‌آمدند و هنر خودشان را برای گریاندن مردم اعمال می‌کردند. هر کس می‌آمد روی دست دیگری می‌زد و بعد از منبر خود می‌نشست تا هنر روضه‌خوان بعد از خود را ببیند، تا ظهر طول کشید دیدم هر کس هر هنری داشت بکار برد، اشک مردم را گرفت. فکر کردم من چه کنم؟ همانجا این قضیه را جعل کردم، رفتم قصه را گفتم و از همه بالاتر زدم. عصر همان روز رفتم در مجلس دیگری که در چارسوق بود، دیدم آنکه قبل از من منبر رفته همین داستان را می‌گوید. کم کم در کتابها نوشتند و چاپ هم کردند! (۱) اکنون باید دید که ریشه این دروغ‌پردازی‌ها چیست؟ و چرا عده‌ای برای گریاندن مردم در مصیبت امام حسین علیه السلام به راحتی بر خدا و رسول و امامان دروغ می‌بندند و بدین سان تاریخ افتخارآمیز عاشورا را تحریف می‌کنند.

ریشه دروغ در مرثیه‌سرایی از نگاه محدث نوری

اشاره

از نگاه محدث نوری دو عامل عمده، موجب دروغ‌پردازی در مرثیه‌سرایی شده:

۱. تجویز دروغ در تعزیه!

خلاصه مطلبی که برای جایز شمردن دروغ در عزاداری برای امام حسین علیه السلام مرحوم نوری از برخی دروغ‌پردازان نقل کرده این است:

۱- حماسه حسینی: ج ۱ ص ۴۹.

ص: ۵۸

احادیثی که توصیه به گریانیدن در مصیبت آن حضرت می کنند مطلق هستند، بنا بر این هر چه سبب گریه کردن مردم گردد هر چند دروغ باشد، نیکو است، و فضای این روایات آن است که آن چه در نکوهش دروغ وارد شده هر چند که در نهایت اعتبار است ولی اختصاص به غیر از ذکر مصیبت ابا عبد الله دارد! (۱) استاد مطهری پس از نقل این مطلب از محدث نوری اضافه می کند: این همان حرفی است که امروزی ها در مکتب «ماکیاول» در آوردند که هدف وسیله را مباح می کند. هدف خوب باشد، وسیله هر چه شد شد! (۲) محدث نوری در پاسخ به این سخن می گوید:

به این بیان، [می] توان بسیاری از معاصی کبیره را مباح بلکه مستحب کرد و برای فساق جاده وسیعی از سوی آن معاصی باز نمود؛ زیرا که اخبار فضیلت و مدح ادخال سرور در قلب مؤمن و قضای حوائج و اجابت خواهش او و سعی و کوشش در انجام آن اضعاف اخبار ابکا است، پس هر فاسقی هر زنی را که دید و خواهش نمود بوسه برویش زند یا ... بر زن رواست به مقتضای اخبار استحباب ادخال سرور یا اخبار استحباب قضای حاجت و غیر آنها اجابت نماید و خود را تسلیم کند! (۳)

۱- ر. ک: لؤلؤ و مرجان: ص ۲۷۲ (تنبیه چهارم).

۲- حماسه حسینی: ج ۱ ص ۴۸.

۳- لؤلؤ و مرجان: ص ۲۷۳-۲۷۴ و نیز، ر. ک: حماسه حسینی: ج ۱ ص ۴۹.

ص: ۵۹

۲. تسامح در ابواب فضایل، قصص و مصایب

اشاره

مطلب دیگری که از منظر محدث نوری دومین عامل عمده در دروغ‌پردازی در مرثیه‌سرایی است، تمسک به سیره علما مبنی بر ضبط و نقل روایات ضعیفه در مؤلفات خود و تسامح در ابواب فضایل و قصص و به خصوص مصایب است. ایشان پس از توضیح این شبهه به تفصیل توضیح می‌دهد که این سخن مغالطه‌ای بیش نیست و هرگز علمای درستکار که سیرشان در خطوط مستقیمه موازین عدلیه است از کتابی که صاحبش را شناسند نقل نکنند و نیز از کتابی که مؤلفش بی‌مبالات و فرقی میان خبر موهون و غیر موهون نگذاشته و در مقام نقل تمیزی برای آنها مقرر نداشته خبری بیرون نیاورند. (۱) به هر حال تردیدی نیست که تسامح در نقل فضایل، قصص و مصایب، مجوز دروغ‌پردازی و نسبت دادن هر مطلبی که در ابواب و موضوعات یاد شده در هر کتاب یافت، به اهل بیت علیهم السلام نیست.

ریشه‌های اصلی دروغ در مرثیه‌سرایی

به نظر می‌رسد آن چه در ریشه‌یابی دروغ‌پردازی در مرثیه‌سرایی بدان اشاره شد، در واقع بهانه دروغ‌پردازان است، نه ریشه اصلی آن.

۱- ر. ک: لؤلؤ و مرجان: ص ۲۷۷-۳۰۲.

ص: ۶۰

زیرا هر کس که از کمترین معلومات دینی برخوردار باشد با اندک تأمل می‌داند که اسلام اجازه نمی‌دهد با دروغ که گناهی کبیره است زمینه گریستن بر امام حسین علیه السلام که مستحب است را فراهم کرد، یا هر مطلب مکتوب و غیر مکتوبی را بدون بررسی به اهل بیت علیهم السلام نسبت داد.

به نظر ما ریشه‌های دروغ‌پردازی در مرثیه‌سرایی امور دیگری است که این گونه بهانه‌تراشی‌ها نیز ریشه در آنها دارد، آن ریشه‌ها عبارت‌اند از:

الف - جهل

شماری از مرثیه‌سرایان اگر بدانند آن چه می‌خوانند دروغ است قطعاً از آن اجتناب می‌کنند لیکن از آنجا که نه شناخت درستی از تاریخ عاشورا دارند و نه توان و یا حوصله تحقیق و بررسی، هر مطلبی را در هر کتابی ببینند و یا از دیگری بشنوند، در صورتی که برای گریاندن مردم مفید تشخیص دهند، بدون تأمل در صحت و سقم آن، مورد استفاده قرار می‌دهند. بنا بر این، نخستین گام برای اصلاح مرثیه‌سرایی، آموزش مرثیه‌سرایان و زنده کردن روح تحقیق در آنان و همچنین معرفی منابع معتبر و غیر معتبر تاریخ عاشورا به آنها است.

ب - سوء استفاده از زبان حال

بهره‌گیری از زبان حال در مرثیه‌سرایی با دو شرط بی‌اشکال، و در

ص: ۶۱

واقع نوعی هنرمندی در ذکر مصیبت است:

شرط اول این که: مرثیه‌سرا، توان تشخیص حال کسی را که می‌خواهد زبان حال او را بیان کند داشته باشد، و این توان در صورتی تحقق می‌یابد که سراینده زبان حال، اطلاع کافی از هدف نهضت حسینی، تاریخ عاشورا، و خصوصیات روحی کسی که حال او را می‌خواهد بازگو نماید داشته باشد.

شرط دوم این که: سخنی را به امام حسین علیه السلام و اهل بیت او نسبت ندهد، بلکه تصریح کند آن چه می‌گویم تشخیص من است.

متأسفانه بدون در نظر گرفتن دو شرط یاد شده، بسیاری از مرثیه‌سرایان مطالبی را خصوصاً به صورت شعر به امام و اهل بیت آن بزرگوار نسبت می‌دهند که واقعیت ندارد. به نظر می‌رسد سوء استفاده از زبان حال در مرثیه‌سرایی یکی از عوامل راه یافتن دروغ به مقتل‌های مکتوب باشد.

از باب نمونه شعر معروف منسوب به امام حسین علیه السلام:

إِنْ كَانَ دَيْنُ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمْ إِلَّا بِقَتْلِي يَا سَيْفُ خُذْنِي

این شعر البته از نظر مضمون ایرادی ندارد ولی انتساب آن به امام دروغ است، این سخن بخشی از قصیده‌ای است از یکی از شعرای عرب به نام شیخ محسن الهویزی، که در رثاء امام حسین علیه السلام ضمن این ابیات آمده:

أَعْطَيْتُ رَبِّي مَوْثِقًا لَا يَنْتَهِي إِلَّا بِقَتْلِي فَاصْعَدِي وَذَرِينِي

ص: ۶۲

إِنْ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمْ إِلَّا بِقَتْلِي يَا سُيُوفُ خُذْنِي
هَذَا دَمِي فَلْتَرَوْ صَادِيَهُ الظُّبَا مِنْهُ وَهَذَا لِلرَّمَا حِ وَتِنِي (۱)

با پروردگارم عهدی بسته‌ام که انجام نمی‌شود

جز با کشته شدنم، پس مرا بالا ببر و بیفکن

اگر دین محمد استوار نماند

جز به کشته شدن من، ای شمشیرها مرا بگیرید

این خون من است، پس شمشیرهایی تشنه از آن سیراب شوند

و این رگ گردنم آماده برای نیزه‌هاست.

بدیهی است که شاعر، این ابیات را به عنوان زبان حال امام گفته، لیکن به تدریج به عنوان سخن امام رواج یافته است.

همچنین، جمله مشهور منسوب به آن حضرت:

إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ

همانا زندگی عقیده و جهاد است.

این جمله مصرعی از سروده شاعر متأخر احمد شوقی است و تمام بیت چنین است:

قِفْ دُونَ رَأْيِكَ فِي الْحَيَاةِ مُجَاهِدًا إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ (۲)

در راه باورت ایستادگی و مجاهدت کن

که زندگی، باور و مجاهدت است

۱- ر. ک: دانش‌نامه امام حسین علیه السلام: بخش دوازدهم: نمونه‌هایی از اشعاری که در رثای سید الشهداء و اصحابش سروده شده.

۲- الموسوعة الشوقية: ج ۳ ص ۲۲۸.

ص: ۶۳

گفتنی است که این بیت شعار روزنامه «الجهاد» در مصر بوده است. (۱)

ج- تلاش برای ارائه مصیبتی نو!

به صورت شغل در آمدن مرثیه‌سرایی از یک سو، و یکنواخت بودن مجالس عزاداری و مستمعان از سویی دیگر به طور طبیعی ایجاب می‌کند که مرثیه‌سرایان دائماً در صدد یافتن مصیبتی جدید در باره واقعه کربلا باشند، و از آنجا که مصایب کربلا محدود است، تلاش برای دستیابی به مصایب جدید، زمینه‌ساز ورود انواع دروغ‌ها و مطالب سست در عرصه مرثیه‌سرایی است. برای مبارزه با این خطر باید نوآوری در ارائه مصایبی که در منابع معتبر آمده، جایگزین تلاش برای یافتن مصایب جدید گردد.

د- دنیاطلبی

اصلی‌ترین و خطرناکترین ریشه‌های دروغ در مرثیه‌سرایی، دنیاطلبی است، در حدیثی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمده: **حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَمِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ، وَسَبَبُ إِجْبَاطِ كُلِّ حَسَنَةٍ.** (۲)

۱- الجهاد نام روزنامه صبح گاهی بوده به سرپرستی محمد توفیق دیاب، ارگان حزب الوفد مصر که از سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۸ م منتشر می‌گردید.

۲- إرشاد القلوب: ص ۲۱ و نیز، ر. ک: دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث: ج ۱ ص ۳۸۲ ح ۵۷۸.

ص: ۶۴

دنیا دوستی سرآمد هر خطایی و کلید هر گناه و مایه از میان رفتن هر خوبی است.

گفتنی است که انواع انگیزه‌های غیر الهی از مرثیه‌سرایی، چه کسب درآمد مادی باشد و چه تحصیل شهرت و محبوبیت و چه غیر آنها، دنیاطلبی است و تا این ریشه خطرناک علاج نشود، و تا اخلاص برای مرثیه‌سرایان حاصل نگردد، همه تلاش‌ها برای اصلاح امر مرثیه‌سرایی عقیم خواهد ماند.

۶. بدعت در نحوه عزاداری

آسیب‌هایی که تاکنون برشمردیم، آفاتی بود که محتوای مجالس عزاداری سید الشهداء را تهدید می‌کنند، اما شماری از آفات مربوط به شکل و چگونگی عزاداری می‌شوند.

از نظر فقهی، عبادات اعم از واجب و یا مستحب، توقیفی است، بدین معنا که اصل عبادت و چگونگی آن باید توسط ادله شرعی اثبات شود، در غیر این صورت، عملی که به عنوان عبادت انجام می‌شود، بدعت محسوب می‌گردد و نه تنها مطلوب نیست بلکه ممنوع و محرم است.

استحباب عزاداری برای سالار شهیدان بر پایه ادله قطعی ثابت است و با عنایت به آثار و برکات فردی و اجتماعی آن از بزرگترین عبادات محسوب می‌گردد، اما در مورد چگونگی انجام این عبادت، معیار، عزاداری‌های مرسوم در عصر صدور و روایات مربوط به

ص: ۶۵

عزاداری است. بلکه می‌توان گفت: اطلاق این روایات، شامل انواع عزاداری‌های مرسوم در اعصار مختلف نیز می‌گردد، مشروط به این که آن چه رایج شده صدق عزاداری کند و موجب وهن مکتب اهل بیت و یا همراه با انجام عملی نامشروع نباشد.

بنا بر این، آن چه در شماری از مجالس عزاداری به تدریج مرسوم شده، مانند: استفاده از ابزار موسیقی، آهنگ‌های مبتذل، تشبه مرد به زن، و همچنین قمه زدن، بدعت در عزاداری محسوب می‌شود. به ویژه قمه زدن که در عصر حاضر موجب تبلیغات سوء بر ضد پیروان اهل بیت و وهن مکتب تشیع است، رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

قمه زدن هم از کارهای خلاف است ... نمی‌شود در مقابل این کار غلط سکوت کرد، ... کار غلطی است که عده‌ای قمه به دست بگیرند و به سر خودشان بزنند و خون بریزند. کجای این حرکت عزاداری است؟! البته، دست بر سر زدن عزاداری است. شما بارها دیده‌اید، کسانی که مصیبتی برایشان پیش می‌آید، بر سر و سینه خود می‌کوبند. این نشانه عزاداری است، اما شما تا به حال کجا دیده‌اید که فردی به خاطر رویکرد مصیبت عزیزترین عزیزانش با شمشیر بر مغز خود بکوبد و خون جاری کند؟ کجای این کار عزاداری است؟! قمه زدن سنتی جعلی است. از اموری است که مربوط به دین نیست و بلاشک، خدا هم از انجام آن راضی نیست، علمای سلف دستشان بسته بود و نمی‌توانستند بگویند: «این کار غلط و خلاف است».

ص: ۶۶

امروز روز حاکمیت اسلام است و روز جلوه اسلام است. نباید کاری کنیم که آحاد جامعه اسلامی برتر، یعنی جامعه محب اهل بیت علیهم السلام که به نام مقدس ولی عصر- ارواحنا فداه- به نام حسین بن علی علیه السلام و به نام امیر المؤمنین علیه السلام مفتخرند در نظر مسلمانان و غیر مسلمانان عالم، به عنوان یک گروه آدم‌های خرافی بی منطق معرفی شوند... قطعاً این یک بدعت است. (۱) و آخرین سخن در این باب، این که فرهنگ عاشورا اگر آن گونه که هست و بدون تحریف به جهانیان عرضه شود، از قدرت اعجاز آمیزی برخوردار است که می‌تواند به نظام سلطه و استکبار در جهان، پایان دهد و بدینسان نه تنها امت مسلمان، بلکه همه مستضعفان جهان را از ستم چپاولگران، زورمداران و غارتگران بین‌المللی رهایی بخشد و به گفته رهبر انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای:

امروز حسین بن علی علیه السلام می‌تواند دنیا را نجات دهد، به شرط آن که با تحریف، چهره او را مغشوش نکنند. (۲) یادم نمی‌رود در دوران ریاست جمهوری، ایشان شبی نخستین رهبر جهاد اسلامی فلسطین شهید دکتر فتحی شقاقی را به منزل خود دعوت کردند، جمعی از روحانیون و مسئولان کشور نیز حضور

۱- بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در جمع روحانیون استان «کهکیلویه و بویر احمد» در آستانه ماه محرم «۱۳۷۳/۳/۱۷».

۲- سخنان ایشان در دیدار روحانیون و عاظم در آستانه ماه محرم «۱۳۷۴/۳/۳».

ص: ۶۷

داشتند، یکی از حضار از شهید دکتر فتحی شقاقی پرسید که تا چه اندازه به موفقیت راه خود اطمینان دارید؟ وی با این که پیرو مذهب اهل سنت بود پاسخی داد که همه را در بهت و شگفتی فرو برد. پاسخ او این بود که:

ما اصولاً به این موضوع فکر نمی‌کنیم! ما موفقیت و پیروزی خود را در انتخاب راه حسین بن علی علیه السلام می‌دانیم، هدف ما انجام تکلیف الهی است!

باری، همه پیروان راستین اهل بیت و علاقمندان آگاه سید الشهداء در پاسداری از فرهنگ اصیل عاشورا در برابر توطئه دشمنان آگاه و تحریف دوستان ناآگاه، مسئولند. اما بی‌تردید، مسئولیت مراجع تقلید، فرهیختگان، عالمان دین باور، گویندگان، نویسندگان و مرثیه‌سرایان متعهد، سنگین‌تر است. «ثُمَّ لَتَسْلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (۱)

۱- تکاثر: آیه ۸.

ص: ۶۸

مجالس عزاداری هدفمند

فصل چهارم مجالس عزاداری هدفمند**اشاره**

با عنایت به فلسفه عزاداری سید الشهداء، و آسیب‌هایی که ممکن است آن را فراگیرد و باید از آن پرهیز داشت مجالس عزاداری آن حضرت در صورتی می‌توانند عزاداران را در جهت این هدف، هدایت کنند که دارای سه ویژگی باشند:

۱. خدا محوری

مجاهدت سید الشهداء و همه شهدای راه حق و فضیلت در طول تاریخ برای آشنا کردن با خداوند متعال و استقرار یگانه‌پرستی در سایه حکومت دینی در جهان بود، بنا بر این بدون معرفت صحیح دینی نمی‌توان تحلیل درستی از نهضت عاشورا ارائه کرد و از این رو خدامحوری و پیوند دل‌ها با خدا و ارزش‌های معنوی باید اساس برنامه‌های مجالس عزاداری و سخنرانی‌ها و مرثیه‌سرایی‌ها باشد و این درس بزرگی است که امام حسین علیه السلام برای ارائه آن به عموم مسلمانان به خصوص پیروان خود، در عصر تاسوعا از دشمن یک

ص: ۶۹

شب مهلت خواست.

بر پایه گزارش منابع معتبر تاریخی عصر نهم محرم ابن سعد دستور حمله به یاران امام را صادر کرد، آن حضرت هنگامی که آمادگی سپاه دشمن برای درگیری را ملاحظه کرد به برادرش عباس علیه السلام فرمود:

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُؤَخِّرَهُمْ إِلَى غَدَوَةٍ وَتَدْفَعَهُمْ عِنْدَ الْعِشِيِّ؛ لَعَلَّنَا نَصِي لِمَى لِرَبَّنَا اللَّيْلَةَ، وَنَدْعُوهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي قَدْ كُنْتُ أَحِبُّ الصَّلَاةَ لَهُ، وَتِلَاوَةَ كِتَابِهِ، وَكَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَالِاسْتِغْفَارِ! (۱)

به سوی آنان بازگرد و اگر توانستی آنها را تا صبح به تأخیر بینداز و امشب بازشان گردان، شاید که امشب برای خدایمان نماز بخوانیم و او را بخوانیم و از وی آمرزش بخواهیم که او خود می‌داند من نماز برای او، تلاوت کتابش و دعا و استغفار فراوان را دوست دارم.

و بدین سان، شب عاشورا، آخرین شب انس امام حسین علیه السلام و اصحابش با انیس ذاکران بود:

فَبَاتَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ [لَيْلَةَ عَاشُورَاءَ] رَاكِعًا سَاجِدًا بِاِكْيَا مُسْتَغْفِرًا مُتَضَرِّعًا، وَبَاتَ أَصْحَابُهُ وَلَهُمْ دَوِيُّ كَدَوِيِّ النَّحْلِ. (۲)

شب در رسید و حسین علیه السلام شب عاشورا را به رکوع و سجود و گریه و استغفار و تضرع و زاری پرداخت و یارانش زمزمه‌ای مانند آوای

۱- ر. ک: دانش‌نامه امام حسین علیه السلام: شب را مهلت گرفتن برای نماز، دعا و استغفار.

۲- مقتل الحسین، خوارزمی: ج ۱ ص ۲۵۱ و نیز، ر. ک: دانش‌نامه امام حسین علیه السلام: شب راز و نیاز.

ص: ۷۰

زنبور [بدون وقفه] داشتند.

از عالم ربانی آیت الله میرزا جواد تهرانی (رضوان الله علیه) نقل شده است که ایشان خطاب به جمعی از روحانیون اهل منبر می فرمود:

کاری کنید که خدا در مجلس امام حسین علیه السلام فراموش نشود!

و این نکته ای است بس مهم و قابل توجه و تأمل، در واقع فراموش شدن خدا در مجلس امام حسین علیه السلام آفت خطرناکی است که مانع آشنایی عزاداران با فلسفه عزاداری و روح نهضت حسینی می گردد.

۲. ارائه تاریخ و تحلیل صحیح از حادثه عاشورا

بدون تحلیل واقع بینانه از نهضت عاشورا امکان ندارد که عزاداران با اهداف بلند عزاداری آشنا شوند و در آن مسیر گام بردانند، از این رو گویندگان و مرثیه سرایان در مجالس عزاداری سید الشهداء باید بر پایه تحلیل درست واقعه عاشورا، سخنرانی و مرثیه سرایی خود را تنظیم نمایند، و بدین منظور استفاده از منابع معتبر در تبیین این حادثه، و اجتناب از آسیب های مجالس عزاداری ضروری است و بهترین راه برای رسیدن به این هدف، خواندن متن مقتل از منابع معتبر است.

به فرموده رهبر انقلاب اسلامی آیت الله خامنه ای:

اگر برای ذکر مصیبت کتاب «نفس المهموم» محدث قمی را باز کنید و از رو بخوانید، برای مستمع گریه آور است و همان عواطف جوشان را

ص: ۷۱

به وجود می آورد، چه لزومی دارد که ما به خیال خودمان، برای مجلس آرایي کاری کنیم که اصل مجلس عزا از فلسفه واقعی اش دور بماند؟ (۱) و بدین سان مرثیه سرایی برای سید الشهداء اگر توأم با اخلاص و صداقت باشد، کاری است بس ارزشمند و اگر هدف مجلس آرایي و دنیاطلبی باشد بسیار زیانبار و خطرناک است. (۲)

۱- سخنان معظم له در جمع روحانیون استان کهگیلویه و بویر احمد در آستانه ماه محرم «۱۷/ ۳/ ۱۳۷۰».

۲- در این باره یکی از مراجع تقلید معاصر رؤیای صادقه آموزنده ای را از استاد خود، فقیه گرانسنگ آیت الله سید عبدالهادی شیرازی (ره) نقل کرد که خلاصه آن این است:

۳. تبلور عاطفه و ارادت به اهل بیت علیهم السلام

تحلیل صحیح نهضت حسینی نمی‌تواند جایگزین تلاش و به کارگیری هنر در جهت جوشش عواطف و احساسات مردم نسبت به حادثه خونین کربلا گردد، در سازندگی معنوی، عاطفه و احساسات نقش ویژه‌ای دارد که هیچ چیز دیگر نمی‌تواند جای آن را پر کند و لذا اهل بیت علیهم السلام تأکید ویژه‌ای در مورد گریاندن و گریستن بر مصایب سید الشهداء داشتند، و خود نیز با تشویق مرثیه‌سرایان و استماع مرثیه آنان (۱) زمینه گسترش این فرهنگ را در میان پیروان خود فراهم می‌کردند، چنان که از یکی از شعرای معاصر امام باقر علیه السلام به نام کمیت نقل شده که پس از مرثیه‌سرایی نزد آن حضرت و گریستن آن بزرگوار، فرمود:

مَا مِنْ رَجُلٍ ذَكَرَنَا أَوْ ذَكَرْنَا عَنْدَهُ، فَخَرَجَ مِنْ عَيْنَيْهِ مَاءٌ وَلَوْ قَدَرٌ مِثْلِ

۱- ر. ک: دانش‌نامه امام حسین علیه السلام: بخش یادزهم/ فصل دوم: مصیبت خوانی برای حسین علیه السلام، فصل چهارم: گریستن و گریاندن بر سید الشهداء و یارانش/ ثواب گریه بر آنان.

ص: ۷۳

جَنَاحِ الْبَعُوضَةِ، إِلَابَنِي اللَّهَ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، وَجَعَلَ ذَلِكَ حِجَابًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ. (۱)

هیچ کس نیست که ما را یاد کند و یا در نزدش یاد شویم و از چشمانش اشکی بیاید، هر چند که به اندازه بال پشه، مگر این که خداوند، برایش خانه‌ای در بهشت بنا می‌کند، و آن را میان او و آتش حجاب قرار می‌دهد. مرثیه‌سرای هنرمند آن است که با تکیه بر منابع معتبر و بر پایه تحلیل و تبیین صحیح حادثه عاشورا، بیشترین نقش را در تبلور عاطفه و احساسات مردم نسبت به سالار شهیدان ایفا نماید، و بدین سان خدامحوری و ارادت به خاندان رسالت را در جامعه گسترش دهد.

۱- کفایة الأثر: ص ۲۴۸، بحار الأنوار: ج ۳۶ ص ۳۹۰ ح ۲.

ص: ۷۵

کتاب‌شناسی تاریخ عاشورا و عزاداری

فصل پنجم کتاب‌شناسی تاریخ عاشورا و عزاداری**اشاره**

درباره تاریخ عاشورا و بویژه عزاداری و مقتل کتاب‌های بسیاری در طول تاریخ نگاشته شده است که این خود نشان از اهتمام عالمان و محققان شیعی بدین مسأله است. (۱) این منابع در اعتبار و دقت در نقل و تحلیل یکسان نیستند و می‌توان آنها را به دو دسته کلی قابل استناد و ضعیف تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی در کتاب‌های در دسترس قابل انجام است، اما دسته دیگری به نام منابع مفقود را نیز باید در نظر داشت، منابعی که تنها در فهرست‌ها به آنها اشاره شده و اکنون به آنها دسترسی مستقیم نداریم، هر چند برخی اخبارشان به کتابهای دیگر راه یافته است.

بنابر این با سه گروه، منبع مواجه‌ایم: ۱. منابع قابل استناد، ۲. منابع غیر قابل استناد، ۳. منابع مفقود.

۱- جهت آگاهی بیشتر ر. ک: کتاب‌شناسی تاریخی امام حسین علیه السلام، کتاب‌شناسی امام حسین علیه السلام، در کتاب اول بیش از هزار کتاب معرفی شده و در کتاب دوم ۸۷۹ اثر.

ص: ۷۶

مقصود ما از منابع قابل استناد، آن دسته مآخذی هستند که هویت تاریخی داشته و نویسندگان آنها، معلوم، سرشناس و از عالمان روشمند بوده‌اند، هر چند دیده نقد خود را بر یک یک روایات آنان باز نگاه می‌داریم. منابع غیر قابل استناد و ضعیف را منابعی داستانی، بی‌سند و بی‌پشتوانه تاریخی می‌دانیم که اخبار گزارش شده در آنها را تنها به شرط یافتن مؤیدات تاریخی و تقویت به وسیله دیگر مآخذ، می‌پذیریم. ما ابتدا به معرفی توصیفی منابع مهم قابل استناد می‌پردازیم و همین کار را درباره منابع ضعیف اما مشهور به انجام می‌رسانیم و سپس منابع معاصر را به اجمال مورد بررسی قرار می‌دهیم. (۱)

۱- ما در معرفی خود از کتاب، تأملی در نهضت عاشورا، از آقای رسول جعفریان، کتاب‌شناسی امام حسین علیه السلام از آقای محمد اسفندیاری، عاشورا پژوهی نوشته آقای محمد صحتی سردودی استفاده کرده‌ایم.

ص: ۷۷

(۱)

منابع قابل استناد

خوشبختانه منابع متعدد و قابل اتکایی از پنج قرن نخست به دست ما رسیده که به گزارش نهضت عاشورا پرداخته‌اند. این منابع را می‌توان به دو دسته مستقل و مشتمل تقسیم نمود: منابعی که ویژه گزارش دهی نهضت عاشورا و حماسه‌سازان این واقعه بی‌نظیر است و منابعی که تنها بخش و فصل‌هایی از آنها، درباره قیام امام حسین علیه السلام است. ما در اینجا همه این منابع را به ترتیب تاریخی گزارش می‌کنیم. گفتنی است این منابع از اعتبار یکسانی برخوردار نیستند، اما همه آنها قابلیت ارجاع و استناد را دارند و به وسیله پژوهش‌های تاریخی روشمند قابل بررسی و پذیرش‌اند:

۱. طبقات الکبری، ابن سعد (متوفی ۲۳۰)
۲. انساب الاشراف، بلاذری (متوفی ۲۷۹)
۳. اخبار الطوال، دینوری (متوفی ۲۸۳)
۴. تاریخ طبری (متوفی ۳۱۰) این کتاب از مهمترین منابع قیام حسینی است.

ص: ۷۸

۵. الفتوح، ابن اعثم کوفی (متوفی حدود ۳۱۴)
۶. مقاتل الطالبیین، ابوالفرج اصفهانی (متوفی ۳۵۶)
۷. معجم الکبیر طبرانی (متوفی ۳۶۰)
۸. شرح الأخبار، قاضی نعمان (متوفی ۳۶۳)
۹. کامل الزیارات، ابن قولویه (متوفی ۳۶۸)
۱۰. امالی شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱)
۱۱. ارشاد، شیخ مفید (متوفی ۴۱۳)
۱۲. روضه الواعظین، ابن فثال نیشابوری (متوفی ۵۰۸)
۱۳. اعلام الوری، طبرسی (متوفی ۵۴۸)
۱۴. مقتل الحسین خوارزمی (متوفی ۵۶۸)
۱۵. تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر (متوفی ۵۷۱)
۱۶. مناقب ابن شهر آشوب (متوفی ۵۸۸)
۱۷. الکامل فی التاریخ، ابن اثیر (متوفی ۶۳۰)
۱۸. مثير الأحزان، ابن نما (متوفی ۶۴۵)
۱۹. تذکره الخواص، سبط ابن جوزی (متوفی ۶۵۳)
۲۰. الملهوف علی قتلی المطفوف (لهوف) سید بن طاووس (متوفی ۶۶۴)
۲۱. کشف الغمّه، اربلی (متوفی ۶۹۲)
۲۲. سیر اعلام النبلاء، ذهبی (متوفی ۷۴۸)

ص: ۷۹

(۲)

منابع غیر استناد**اشاره**

حادثه عاشورا از پیشامدهای شگفت تاریخ است. قهرمانانی اندک شمار در برابر خیل عظیم جنگجویان سفاک و بیرحم تا واپسین لحظه حیات و آخرین قطره خون مقاومت کردند و از همه چیز در راه محبوب خود گذشتند. این مقاومت شجاعانه و فداکاری قهرمانانه، از آغازین لحظه‌های پیدایش، در درازنای تاریخ و تاکنون، چشم‌ها را خیره کرده و زبان‌ها و قلم‌ها را به سوی خود کشیده است.

تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان، از نخستین کسانی بودند که به گزارش این واقعه با بسیاری از رخداد‌های پیرامونی و حادثه‌های جزئی آن پرداختند و حتی آن دسته مورخان حکومتی که نان امویان را می‌خوردند نتوانستند، آفتاب دلاوری‌ها، رشادت‌ها و حماسه‌سرایی‌های این تعداد به ظاهر اندک و به باطن، با همه انسانیت انسان‌ها برابر، را نادیده و یا آن را زیر ابر تیره، گیرند. کتاب‌های تاریخ و سیره، چه در میان شیعیان و چه اهل سنت و حتی غیر مسلمانان، واقعه عاشورا را به عنوان یک نقطه عطف و یک پیشامد مسلم گزارش

ص: ۸۰

کرده و ارکان و وقایع اصلی آن از مشهورات، متواترات و قطعیات تاریخی است، اما تفصیل‌ها و جزئیات آن، مانند هر واقعه تاریخی دیگری با تفاوت‌هایی در نقل‌ها و یا کاستی‌ها و مبالغه‌هایی قابل انتظار همراه بوده است. این در حالی است که با گذشت زمان و دورتر شدن از اصل واقعه، انتظار تغییر و تحریف بیشتر می‌شود، نکته‌ای که قاعده لزوم مراجعه به منابع کهن و نزدیک‌تر به حادثه تاریخی را مدلل می‌سازد. خوشبختانه منابع کهن تاریخی و سیره نگاری چنان دقیق و با تفصیل به عاشورا و کربلاء پرداخته‌اند که غرض ورزی‌ها، اشتباهات و کم دقتی‌های همزاد انسان، را به آسانی نشان می‌دهد.

مبنای ما در سنجش اعتبار و سندیت کتاب‌های نوشته شده در دوره‌های بعد، همین منابع کهن و مشترکات تاریخی در کنار حفظ معیارهای نقد متون و اسناد تاریخی است. همچنین از آن رو که حادثه عاشورا، یکی از سرخ‌ترین جلوه‌های گل فام امامت شیعه است، گزارش‌ها و مآخذ پیرامون عاشورا را باید با سنجه عصمت امام علیه السلام نیز سنجید و سیره رفتاری امامت شیعه را بر آنچه به آنان نسبت می‌دهند حاکم کرد.

بر این اساس، کتاب‌ها و منابعی که گزارش‌های خود را نقادی نکرده و آنها را با منابع اصلی تاریخی برابر ننموده و یا به تعارض آنها با سیره و کرامت و شخصیت امام حسین علیه السلام و یارانش توجه نکرده‌اند، دچار ضعف گشته و از گردونه اعتبار و نقل و استناد خارج می‌شوند.

ص: ۸۱

هر اندازه تعداد این گزارش‌های بدون اصل و سند و یا نامتجانس با شخصیت کرامتمندانه و عزتمندانه عاشورائیان در کتابی بیشتر باشد، بر ضعف آن افزوده می‌شود و هر اندازه این گزارش‌ها کمتر، کتاب از اعتبار بیشتر بهره‌مند می‌گردد.

این بدان معناست که نقد ما در این عرصه، متوجه به کتاب و محتوای آن است و نه نویسنده و گردآورنده آنها، چه، برخی از مؤلفان این گونه کتاب‌ها جزو کسانی هستند که از سرِ شیفتگی به این حماسه تاریخی و شخصیت اعجاب‌انگیز امام حسین علیه السلام و همراهانش و به پاس قدردانی از فداکاری‌های آنان، قلم به دست گرفته و بدون آن که تخصص اصلی آنها تاریخ و سیره باشد، در عرصه‌ای قلم زدند که تفاوت اصلی با اندوخته‌های علمی آنها مانند فقه و تفسیر قرآن داشت. احساس دین به امام حسین با شوری که از مطالعه نهضت عاشورا به هر انسانی دست می‌دهد، آمیخته شد و این مؤلفان شیفته را گاه به تساهل در رویارویی با گزارش‌های بی‌پایه کشاند و سبب شد آنان حتی به گزارش‌های شفاهی که از زبان این و آن و یا برخی واعظان و مرثیه‌خوانان شنیده‌اند، اعتماد کنند و افزوده‌هایی ناسازگار با واقعه اصلی عاشورا و در تعارض با اهداف آن را در کتاب‌های خود بیاورند، تا چه رسد به کتاب‌های کم اعتبار، مجهول و یا حتی مجعول.

زمینه‌ها و عامل‌هایی چند، نیز این جریان را شدت بخشید که از

ص: ۸۲

جمله آنها، پیدایش سبک داستان پردازی و ارائه قرائت جذاب و مخاطب محور، از واقعه عاشورا بود. سبکی که برپایه گرایش طبیعی انسان به حکایت و نقل زیبایی وقایع روی داده، شکل گرفت و میل فطری آدمیان به بزرگ داشتن و بزرگتر کردن قهرمانان خود، به آن کمک نمود. در این میان کسانی آیات و روایات باز دارنده از دروغ پردازی را با جعل اصطلاح «زبان حال» کنار زدند و یا حتی در برخی نمونه‌های معدود، دروغ را تجویز کردند. راه یافتن این زبان تخیلی، احساسی و داستانی به منبر و مرثیه و تعزیه، چرخه نقل شفاهی و نگارش کتبی را کامل کرد و پس از مدّتی آنچه به عنوان یک مرثیه یا مداحی و نقل حکایت و به منظور برانگیختن احساسات ساخته و خوانده شده بود، به کتاب‌ها راه یافت و از سوی برخی که میان منابع کهن و نزدیک به واقعه عاشورا با کتاب‌هایی که قرن‌ها پس از آن به نگارش درآمده‌اند تفاوت چندانی نمی‌نهند، به صورت یک سند تاریخی و قابل ذکر درآمد. این‌ها، همه افزون بر اشتباهات ناخواسته انسانی است که در نقل‌های تاریخی پیش می‌آید، مانند خطای حافظه در نقل شفاهی و خطای باصره در هنگام نوشتن که به گاه نگارش و قرائت نسخه‌ها پیش می‌آید، بویژه اگر نسخه، مغلوط و یا بدخط باشد. آنچه مایه امیدواری پژوهشگران است، شکل هر می این جریان ناخجسته است. به این معنا که هر چند ممکن است تعداد کتاب‌های کنونی که مطالب

ص: ۸۳

آمیخته از درست و نادرست دارند، فراوان به نظر رسد، اما پی‌یابی جریان نقل آنها، پژوهشگر را به تعداد انگشت شماری از منابع مشخص می‌رساند که سرچشمه ورود این ادبیات تخیلی و بدون پشتوانه تاریخی به جریان گزارش دهنده حماسه کربلا هستند. محققان این مجموعه با بررسی صدها گزارش و مأخذیابی مرحله به مرحله هر یک از نقل‌ها، این چند کتاب معدود را شناسایی کرده و ساختار و ضعف‌های آنها را گوشزد کرده‌اند. این بدان معنا نیست که همه مطالب این کتاب‌ها نادرست و تحریف شده است، چه در این کتاب‌ها، گزارش‌های معتبر از کتاب‌های کهن و اصلی تاریخ و سیره نیز نقل شده است. مقصود ما آن است که بسیاری از گزارش‌های نادرست و یا بدون منبع و پشتوانه تاریخی در این کتاب‌ها یافت می‌شود، که برخی با عملکرد و سیره رفتاری امام حسین علیه السلام و اهل بیت گرامیش ناسازگار است و برخی تنها احتمال وجودشان در منابع به ما نرسیده می‌رود، و بدین جهت مطالب این گونه کتاب‌ها بدون ارزیابی قابل استناد نیستند، این منابع عبارت‌اند از:

۱. مقتل منسوب به ابومخنف

ابو مخنف، لوط بن یحیی بن سعید، در گذشته به سال ۱۵۸ هجری قمری، از مورخان مورد اعتماد و از اصحاب امام صادق علیه السلام است، او به احتمال فراوان شیعه و مقبول مورخان فریقین است و از این رو

ص: ۸۴

تاریخ نگاران و سیره نویسان متعدد از کتاب او درباره قیام امام حسین علیه السلام نقل کرده‌اند. از این میان می‌توان به محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷) و محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰) در تاریخش، ابن قتیبه (م ۳۲۲) در الامامۃ والسیاسة، ابن عبدربه (م ۳۲۸) در العقد الفريد، علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۵) شیخ مفید (م ۴۱۳) در الارشاد و نیز النصرۃ فی حرب البصرۃ، شهرستانی (م ۵۴۸) در الملل والنحل، خوارزمی (م ۵۶۸) در مقتل الحسین و در آخرین حلقه‌ها به ابن عساکر (م ۵۷۱) (۱)، در تاریخ دمشق، ابن اثیر (۶۳۰) در الکامل، سبط ابن جوزی (م ۶۵۴) در تذکرۃ الخواص و ابوالفداء (م ۷۳۲) اشاره کرد (۲). سوگمندان اصل کتاب ابومخنف ناپیدا شده و ما تنها می‌توانیم از جمع‌آوری گزارش‌های این مورخان، به بخشی از کتاب او دست بیابیم.

در دوره معاصر آقای حسن غفاری و محمد هادی یوسفی غروی به این کار همت گماشته و آن بخش از کتاب ابو مخنف را که طبری در تاریخ خود گزارش کرده، گردآورده و با نام‌های «مقتل الحسین» و «وقعة الطّف» منتشر ساخته‌اند.

۱- ابن عساکر بسیار کم از ابومخنف نقل می‌کند، ولی در بخش معرفی زینب دختر امام حسین علیه السلام، تصریح می‌کند که کتاب ابو مخنف را خوانده است (تاریخ دمشق: ج ۶۹ ص ۱۶۸).

۲- ر. ک: مقدمه وقعة الطّف: ص ۹.

ص: ۸۵

پیشتر از این دو، کتابی به نام مقتل ابی مخنف منتشر شده است که نه تنها دلیلی بر صحت انتساب آن به مؤلف در دست نیست، بلکه تفاوت فراوان و آشکار مطالب آن با نقل طبری از ابومخنف، قرینه نادرستی این انتساب است. دلیل دیگر، وجود برخی مطالب موهن به شخصیت بزرگوارانه امام حسین علیه السلام است که تألیف آنها از نویسنده‌ای مشهور و موثق همچون ابومخنف، بسی بعید است. جالب توجه آن که میان این کتاب چاپ شده ناشناخته، با متن برخی نسخه‌های خطی آن تفاوت بیش از حد متعارفی به چشم می‌آید و اعتماد به آن را از میان می‌برد. (۱) متأسفانه، نیاز به مقتل ابی مخنف، موجب شده، بسیاری به همین نسخه متداول و رایج روی آورده و بیشتر مطالب آن را نادانسته به ابو مخنف نسبت دهند.

گفتنی است که در دو سده اخیر، بسیاری از محدثان، مورخان و کتابشناسان، پس از تأیید ابو مخنف و کتاب اصلی او، کتاب کنونی، متداول و در دسترس «مقتل ابومخنف» را بی‌اعتبار و غیر قابل استناد دانسته‌اند. از این میان می‌توان به محدث نوری (۲)، میرزا محمد

۱- نسخه‌ای از این کتاب در آخر بحار الأنوار به چاپ رسیده و یک نسخه خطی به تاریخ ۱۱۳۰ نیز در کتابخانه دار الحدیث نگاهداری می‌شود. این نسخه خطی برخی از اشتباهات فاحش نسخه چاپی متداول را ندارد، مانند سند کتاب در آغاز متن چاپی، ص ۲۴ و روایت از کلینی در همان، ص ۲۵.

۲- لؤلؤ و مرجان: ص ۲۳۶.

ص: ۸۶

ارباب (۱)، حاج شیخ عباس قمی (۲)، سید عبدالحسین شرف الدین (۳)، سید حسن امین (۴) و شهید قاضی طباطبایی (۵) اشاره کرد. (۶)

۲. نور العین فی مشهد الحسین علیه السلام

نور العین، مقتلی منسوب به ابو اسحاق اسفرائینی است و این عنوان منصرف به ابراهیم بن محمد بن ابراهیم اسفرائینی، فقیه شافعی و در گذشته به سال ۴۱۷ یا ۴۱۸ هجری است، اما هیچ یک از منابع کهن، تألیف چنین کتابی را در شرح حال او گزارش نکرده‌اند (۷). در میان کتابشناسان متأخر، ابتدا اسماعیل پاشا (۸) و پس از او شیخ آقا بزرگ تهرانی (۹) و یوسف الیان سرکیس (۱۰) این کتاب را به او منسوب داشته‌اند.

۱- اربعین حسینه: ص ۹.

۲- نفس المهموم: ص ۹، الکنی و الألقاب: ج ۱ ص ۱۵۵، هدیة الأحباب: ص ۴۵.

۳- مؤلفوا الشیعة فی صدر الإسلام: ص ۴۱.

۴- مستدرکات أعیان الشیعة فی صدر الإسلام: ج ۶ ص ۲۵۵.

۵- تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهدا(ع): ص ۶۰، ۷۶، ۲۱۹، ۲۲۲.

۶- برای آگاهی بیشتر درباره این کتاب و دیگر منابع مرتبط، ر. ک: محمد اسفندیاری، کتابشناسی تاریخی امام حسین(ع): ص ۷۰.

۷- ر. ک: طبقات الشافعیة: ج ۴ ص ۲۵۶، و فیات الأعیان: ج ۱ ص ۲۸، تبیین کذب المفتری: ص ۲۴۳، سر أعلام النبلاء: ج ۱۷ ص ۳۵۲، البدایة و النهایة: ج ۱۲ ص ۳۰.

۸- هدیة العارفین: ج ۱ ص ۸.

۹- الذریعة: ج ۱۷ ص ۷۲-۷۳.

۱۰- معجم المطبوعات العربیة: ج ۱ ص ۴۳۶.

ص: ۸۷

آنچه نظر اسماعیل پاشا را کم اعتبار می‌کند، اشاره وی به مأخذ خود، وفیات الاعیان است، حال آن که ما چنین مطلبی را در وفیات الاعیان نیافتیم و اسماعیل پاشا خود در کتاب دیگرش، ایضاح المکنون، کتاب را بدون ذکر مؤلف آن معرفی کرده است. (۱) کتابشناسان معاصر مانند سید عبدالعزیز طباطبایی رحمه الله نیز بر اعتقادند که این کتاب را بر اسفرائنی بر بسته‌اند؛ زیرا اسلوب و سبک آن با کتاب‌های تألیف شده در قرن چهارم، یعنی سال‌های تدریس و تألیف اسفرائنی، همسان نیست. (۲) و نکته آخر آن که مطالب کتاب، بدون سند و مأخذ است و گاه چنان غیر معتبر و دور از عقل است (۳) که تألیف آن را از سوی یک فقیه دانشمند، بعید می‌سازد و از این رومحققان خبره در سیره و تاریخ امام حسین علیه السلام را به انکار آن سوق داده است. (۴)

۳. روضة الشهداء

کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی (م ۹۱۰) مبتکر سبک قصه‌پردازی و پردازش پندگونه از وقایع تاریخی است. او که سنی

۱- ایضاح المکنون: ج ۲ ص ۶۸۵.

۲- ر. ک: أهل البيت فی المكتبة العربیة: ص ۶۵۵.

۳- مانند آن که اسب امام حسین علیه السلام به تنهایی ۲۶ سواره و ۹ اسب را کشت (ص ۵۱) و یاجنگ از روز سوم محرم شروع شد و امام در همان روز سوم هزار نفر را کشت (ص ۳۶) و اموری دیگر، ر. ک: ص ۷، ۳۷، ۴۱، ۴۴، ۴۸ و ...

۴- مانند شهید طباطبایی که آن را در ضعف وجعل مانند مقتل منسوب به ابو مخنف و سراسر قصه می‌خواند (تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام) و نیز محمّد ارباب در (أربعین حسینیة: ص ۲۷۲) و فضل علی قزوینی در (الإمام حسین وأصحابه: ج ۱ ص ۱۵۰).

ص: ۸۸

بودن و یا شیعه بودنش معلوم نیست شیفته اهل بیت علیهم السلام بود و برای جذب عوام، حوادث تاریخی بویژه، حادثه عاشورا را با نثری دلپسند به داستان درآورد و در این میان مطالب معتبر و غیر معتبر و مستند و بدون سند را با هم درآمیخت. سبک جدید، فارسی بودن و انگیزه مؤلف برای خواندن کتاب در مجالس عزاء، موجب شد تألیف کاشفی نه یک اثر تاریخی که یک اثر تبلیغی و حتی تخیلی، شمرده شود.

متأسفانه عدم توجه به این مطلب و قرائت و استنساخ مکرر آن- تا آنجا که سخنرانان مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام را، «روضه» خوان نامیدند-، زمینه ورود بسیاری از اطلاعات نادرست این کتاب را به فرهنگ عاشورا فراهم ساخت و در موارد متعددی «زبان حال»، جانشین «زبان قال» حماسه سرایان کربلا گشت.

مصحح و حاشیه نگار کتاب، علامه ابوالحسن شعرانی نیز در مقدمه‌اش بر کتاب به این موضوع اشاره کرده است: «از نقل ضعیف در روضه الشهداء عجب نباید داشت، چون در ادای مقصود واعظ، قوی است، اگر چه برای مقصود مورخ کافی نیست» (۱). پیش از شعرانی، نیز، میرزا عبداللّه افندی، همکار عالم و کتابشناس علامه مجلسی رحمه الله، اکثر روایات این کتاب و بلکه همه آن را مأخوذ از کتب غیر مشهوره و غیر قابل اعتماد دانسته (۲)، سید محسن امین نیز این

۱- مقدمه روضه الشهداء: ص ۶.

۲- ریاض العلماء: ج ۲ ص ۱۹۰.

ص: ۸۹

سخن را تأیید نموده است. (۱) محدث نوری برخی گزارش‌های کتاب را بدون پشتوانه تاریخی خوانده (۲) و شهید مطهری آن را پر از دروغ، و تألیف و نشر این کتاب را مانع مراجعه به منابع اصلی و مطالعه تاریخ واقعی امام حسین علیه السلام دانسته است. (۳) شهید قاضی طباطبایی نیز مطالب آن را در مقام تعارض با مقاتل معتبر، ساقط و بی‌ارزش می‌داند. (۴) نمونه‌های متعددی از این گونه اخبار غیر قابل باور را می‌توان در جای جای کتاب دید. (۵)

۴. المنتخب فی جمع المراثی و الخطب

فخرالدین بن محمد علی بن احمد طریحی (م ۱۰۸۵) مؤلف مجمع البحرین، مجموعه‌ای از احادیث و مراثی درباره امام حسین علیه السلام و برخی دیگر از امامان را گرد آورد و به قصد گریاندن مؤمنان و تشویق

۱- أعیان الشیعه: ج ۶ ص ۱۲۲.

۲- لؤلؤ و مرجان: ص ۲۸۷.

۳- حماسه حسینی: ج ۱ ص ۵۴.

۴- تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام: ص ۳۶.

۵- مانند بیست و دو هزار زخم در پیکر امام حسین علیه السلام (ص ۶۰)، و چسبیدن سر بر تن فرزندان مسلم بن عقیل (ص ۲۴۱) و حضور هاشم مرقال در کربلا (ص ۳۰۱) و قصه زعفر جَنّی (ص ۳۲۱) و عروسی قاسم (ص ۳۴۶).

ص: ۹۰

به سوگواری، آنها را به صورت جنگ سامان داد. المنتخب تاریخ نگاری علمی زندگی یا قیام امام حسین علیه السلام نیست، اکثر مطالب کتاب بدون ذکر مأخذ و احادیث آن به صورت مرسل آمده و غث و سمین در آن به هم درآمیخته است. و از این رو آن را متناسب با هدف و شیوه مؤلف، المجالس الطریحیه و یا المجالس الفخریه نیز نامیده‌اند.

ضعف دیگر کتاب، اختلافات موجود در نسخه‌های متفاوت آن است که می‌تواند نشانگر تصرّفات بعدی در آن باشد. (۱) محدّث نوری منتخب طریحی را مشتمل بر مطالب موهون و غیر موهون می‌داند (۲) و میرزا محمد ارباب قمی، مسامحات فراوان در آن را گوشزد کرده و روایات مختص آن را معتبر ندانسته است. (۳) برخی مطالب ضعیف کتاب قابل تردید و ردّ هستند که خوانندگان را به صفحات ذیل ارجاع می‌دهیم. (۴)

۵. محرق القلوب

محرق القلوب، نوشته ملا مهدی نراقی (م ۱۲۰۹ ق) است. او با اقتباس از روضه الشهداء، به عرضه مطالبی دست یازید که به گونه‌ای شورانگیز، عواطف و احساسات مردم را به سوی واقعه کربلا- سوق دهد، اما چون مأخذ نراقی، روضه الشهداء، کتابی ضعیف و مخلوط از مطالب درست و نادرست بود، نوشته او نیز بر اخبار ضعیف

۱- ر. ک: سخن شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه: ج ۲۲ ص ۴۲۰.

۲- لؤلؤ و مرجان: ص ۲۸۷.

۳- اربعین حسینه: ص ۶۴.

۴- مانند کشته شدن بیش از ده هزار سوار کار در عاشورا (ص ۴۵۰) و مخلوط کردن سه جریان شهادت حضرت عباس و آب آوردن برای طفل ابا عبد الله و شهادت حضرت علی اکبر (ص ۴۳) و

ص: ۹۱

و غیر معتبر مشتمل گشت. نراقی خود به ضعیف بودن برخی گزارش‌های کتابش تصریح کرده (۱) و از این رو مورد انتقاد برخی از عالمان پس از خود قرار گرفته است. میرزا محمد تنکابنی برخی از اخبار آن را مظنون یا مقطوع الکذب دانسته (۲) و محدث نوری با ابراز شگفتی از تألیف چنین کتابی از چنان عالم بزرگی، برخی مطالب آن را منکر نامیده است. (۳) شهید مطهری نیز نراقی را فقیه بزرگی خوانده ولی او را در تاریخ عاشورا، صاحب اطلاع نمی‌داند و برخی مطالب او را نقد کرده است. (۴) گفتنی است انتساب کتاب به نراقی، مشهور و تردیدی در آن نرفته (۵)، اما محتمل است که آن را در اوایل سنّ تحصیل و پیش از رسیدن به مراتب کمال علمی، نوشته باشد.

۶. اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات «اسرار الشهادة»

آغا بن عابد دربندی شیروانی مشهور به فاضل دربندی (م ۱۲۸۵ یا ۱۲۸۶) از نویسندگان است که افزون بر رشته تخصصی خود، فقه، در دیگر رشته‌ها، مانند تاریخ عاشورا نیز کتاب نوشت. او با جمع

۱- مقدمه محرق القلوب، به نقل از عاشورا پژوهی: ص ۴۰۶.

۲- قصص العلماء: ص ۱۳۳

۳- لؤلؤ و مرجان: ص ۲۴۵.

۴- ر. ک: حماسه حسینی: ج ۱ ص ۲۸.

۵- ر. ک: الذریعة: ج ۴ ص ۴۶۱ و ج ۲۰ ص ۱۴۹ و ج ۲۱ ص ۳۵۹ و ایضاح المکنون: ج ۲ ص ۴۴۳ و هدیة العارفین: ج ۲ ص ۳۵۲.

ص: ۹۲

اخبار قوی و ضعیف و به قصد حل اختلاف و تحلیل آنها یکی از بزرگ‌ترین نگاشته‌ها را درباره واقعه عاشورا سامان داد. او شیفته امام حسین علیه السلام بود و انگیزه زیبایی در نگارش این کتاب داشت، اما به دلیل استفاده از منابع ضعیف در کنار منابع اصلی و نقل برخی گزارش‌های بدون سند نتوانست مقتل معتبری ارائه دهد. او همچنین مبنای نادرستی برگزید و براساس آن از کتاب‌هایی که مشتمل بر اخبار مظنون الکذب بودند نیز نقل کرد. مبنای او این بود که نشانه‌های کذب هر چند به درجه ظنّ برسد، مانع نقل نیست و نقل چنین اخباری در بیان سیره و تاریخ، بی اشکال است. محدّث نوری یکی از منابع ضعیف دربندی را نسخه بدون سروه، مجهول و پر از دروغی می‌داند که سید عرب روضه‌خوانی برای کسب تأیید نزد عالمان نجف آورده و سپس به دست دربندی می‌رسد. نسخه‌ای که به گفته محدّث نوری، از کثرت اشتغال بر اکاذیب واضح و اخبار واهی احتمال نمی‌رود که از مؤلفات عالمی باشد. (۱) سخن محدّث نوری را بسیاری از عالمان دیگر تأیید کرده‌اند و بسیاری از نقل‌های نادرست و غیر قابل باور کتاب را به عنوان گواه ارائه کرده‌اند. از این میان می‌توان به میرزا محمد تنکابنی (۲)، شاگرد

۱- لؤلؤ و مرجان: ص ۲۵۱.

۲- «اخبار غیر معتبره در این کتاب (أسرار الشهادات) بسیار و ضعاف بلکه اخباری که مظنون، کذب آنها است بلکه گویا بعضی از آنها قطعی الکذب باشند و این مایه کسر قدر آن کتاب گردید» (قصص العلماء: ص ۱۰۸).

ص: ۹۳

فاضل دربندی، محدث نوری (۱)، شیخ ذبیح الله محلاتی (۲)، سید محسن امین (۳)، میرزا محمدعلی مدرس تبریزی (۴)، شیخ آقا بزرگ تهرانی (۵) و استاد علامه شهید مرتضی مطهری (۶)، اشاره نمود. گفتنی است بسیاری از تحلیل‌های نویسنده کتاب برای قابل

۱- «کار به آنجا رسید که [مخالفان] در کتب خود نوشته‌اند که: شیعه بیت کذب است. و اگر کسی منکر شود، کافی است ایشان را برای اثبات این دعوی، آوردن کتاب اسرار الشهادة را به میدان» (لؤلؤ و مرجان: ص ۲۸۹).

۲- «فاضل دربندی در اسرار الشهادة خبر طولانی راجع به عطش سکینه و آب آوردن بریر و پاره شدن مشک و ریختن آب نقل کرده است. حقیر چون به کلی اعتماد بر آن کتاب ندارم، فلذا عنان قلم از نقل آن باز کشیدم.» (ریاحین الشریعة: ج ۳ ص ۲۷۲).

۳- و بالجملة قد أكثر فی مؤلفاته النقلیة من الأخبار الواهیة، بل أورد ما لا تقبله العقول ولم تصدقه النقول» (أعیان الشیعة: ج ۲ ص ۸۸).

۴- به حکم انصاف، این کتاب او بلکه دیگر تألیفاتی که در موضوع مقتل نگارش داده همانا در اثر آن همه محبت مفرط که داشته است حاوی غث و سمین بوده [است].» (ریحانة الأدب: ج ۲ ص ۲۱۷).

۵- «من شدّة خلوصه و صفاء نفسه نقل فی هذا الكتاب اموراً لا توجد فی الكتب المعتبرة، وإنّما أخذها عن بعض المجامیع المجهولة اتّکالاً علی قاعدة التسامح فی أدلّة السنن» (الذریعة: ج ۲ ص ۲۷۹).

۶- «در شصت، هفتاد سال پیش مرحوم ملا آقای دربندی پیدا شد؛ تمام حرفهای روضه الشهداء را به اضافه چیزهای دیگری پیدا کرد و همه را یکجا جمع کرد و کتابی نوشت به نام اسرار الشهادة. واقعاً مطالب این کتاب انسان را وادار می‌کند که به اسلام بگرید» (حماسه حسینی: ج ۱ ص ۵۵ و ص ۱۰۶).

ص: ۹۴

پذیرش کردن گزارش‌هایی است که به سادگی قابل قبول نیستند. (۱)

۷. ناسخ التواریخ

میرزا محمدتقی سپهر، مشهور به لسان الملک (م ۱۲۹۷ ق) از شاعران و منشیان دربار قاجار است. او در کنار کار دیوانی، مأمور شد تا کتابی را درباره تاریخ جهان از آدم علیه السلام تا آن زمان، بنگارد. (۲) کتابی که همه آنچه را گفته‌اند و امکان وقوع دارد و محال نیست، در خود جای دهد هر چند دور از ذهن باشد. او این تفصیل را در بخش مربوط به امام حسین علیه السلام حفظ کرده و از این رو «هر قصیه را که در کتب معارف مورّخین و محدّثین» (۳) دیده، آورده است. او هر چند، گاه به گاه به نقد پاره‌ای منقولات دست می‌یازد، اما خود نیز اشتباهات تاریخی دارد و مطالب ضعیف به کتابش راه یافته است و از این رو با وجود استفاده اهل منبر و مرثیه از آن، نمی‌توان متفردات آن را معتبر دانست. شهید قاضی طباطبایی اشتباهات آن را فراوان دانسته و محتویات بدون مدرک آن را قابل اعتماد ندانسته است. (۴) شهید مطهری نیز هر چند

۱- گزارش‌های غیر قابل باور مانند کشته شدن بیست و پنج هزار نفر به دست حضرت عباس و ۳۳۰ هزار نفر به دست امام حسین علیه السلام و یا قصه‌پردازی درباره چگونگی بیرون آمدن امام حسین علیه السلام از مدینه که به زیّ پادشاهان شبیه کرده است و یا ارائه رقم ۱۰۰۰/۶۰۰/۱ نفری برای سپاه عمر سعد، (ص ۳۴۵).

۲- لغت‌نامه دهخدا: مدخل سپهر کاشانی.

۳- ناسخ التواریخ: ج ۱ ص ۳۷۸.

۴- تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام: ص ۹۷ و ص ۱۲.

ص: ۹۵

مؤلف را متدین خوانده، اما تاریخش را چندان معتبر نداشته و برخی از اشتباهات تاریخی او را گوشزد کرده است. (۱)

۸. عنوان الکلام

ملا محمد باقر فشارکی (م ۱۳۱۴) از فقیهان قرن سیزدهم و چهاردهم اصفهان است. رشته اصلی او فقه اما صاحب منبر و خطابه نیز بوده است. او بدون آن که قصد بیان تاریخ عاشورا را داشته باشد در پایان سخنرانی‌هایش چند جمله‌ای ذکر مصیبت می‌کرد. او سپس بخشی از این سخنرانی‌ها را که در شرح دعا‌های هر روز ماه مبارک رمضان بود به نگارش درآورد و سپس دو عشریه که نوشته‌های ویژه مصائب امام حسین علیه السلام و در قالب مجالس دهگانه بود به آن افزود.

فشارکی در مقام تاریخ‌نویسی نیست و قصدش ذکر مصیب و گریانیدن مردم است، از این رو در بسیاری از موارد سندی برای گفته‌های خود ارائه نمی‌دهد و حتی گاه با وجود تصریح به نبودن برخی مطالب در کتب معتبر و مشهور (۲)، تنها به گمان و احتمال، آن را

۱- فلسفه تاریخ: ص ۱۴، حماسه حسینی: ج ۲ ص ۱۰۷. استاد مطهری این نکته را بر مؤلف ناسخ التواریخ خرده می‌گیرد که نوشته: اسب امام حسین علیه السلام چهل تن را با لگد و دندان کشت و سپس به خیمه امام حسین علیه السلام بازگشت و چندان سر خود را به زمین کوبید که جان از تنش بیرون شد.

۲- ر. ک: عنوان الکلام: ص ۲۹۴.

ص: ۹۶

نقل می کند.

کتاب عنوان الکلام مرجع و مستند کتاب های پژوهشی و تاریخی واقع نشده، اما به دلیل ذکر برخی مواضع حدیثی و داستانی گاه مورد استناد اهل منبر قرار می گیرد. تأخر زمانی مؤلف، نقص ارجاع علمی به کتب و منابع و گزارش های منفرد و بدون شاهد (۱) کتاب را می توان دلیل عدم استفاده علمی از آن دانست. (۲)

۹. تذکره الشهداء

ملا حبیب شریف کاشانی (م ۱۳۴۰ ق) از عالمان و فقیهان پر نویس قرن چهاردهم است. او نزدیک به ۲۰۰ نوشته دارد که از جمله آنها، تذکره الشهداء است. کار اصلی شریف کاشانی فقه و علوم وابسته به آن بوده، اما به دلیل شیفتگی به امام حسین علیه السلام تاریخ مفصّلی در شرح حال شهیدان عاشورا نگاشت. شریف کاشی در این کتاب از همه گونه منابع قوی و ضعیف، نقل کرد و از این رو با وجود ردّ برخی اخبار از سوی مؤلف، تعدادی از روایت های ضعیف در کتاب باقی مانده است. این اخبار پشوانه تاریخی ندارند و قرائن دیگری در کنار آنها وجود ندارد و از این رو همه گزارش های کتاب قابل اعتماد

۱- برای آگاهی از متفردات بدون پشوانه تاریخی کتاب، ر. ک: ص ۸۱ و ۲۶۸: مرثیه مادر علی اصغر برای طفل شیرخوارش، ص ۲۶۵ و ۳۲۶: بیرون کشیدن پیکر علی اصغر از قبر و جدا کردن سر او از بدن و مطالب دیگر در صفحات: ۱۹۴، ۲۸۰، ۲۸۲، ۳۲۰ و

۲- ر. ک: الذریعة: ج ۱۵، ص ۲۶۸، شماره ۱۷۴۰ و ص ۳۵۳، شماره ۲۲۶۷، معجم المؤلفین: ج ۹ ص ۹۱، اعیان الشیعة: ج ۹ ص ۳۳۲.

ص: ۹۷

نیست. نمونه‌های گزارش‌های متفرّد و تأیید نشده این کتاب را می‌توان در صفحات متعددی مشاهده کرد. گفتنی است برخی از این اخبار محال و یا خارق العاده نیستند، اما سند و منبع قابل اتکایی ندارند. (۱)

۱۰. معالی السبطین

محمد مهدی حائری مازندرانی از نویسندگان قرن چهاردهم (م ۱۳۸۵) دو کتاب دیگر نیز درباره اهل بیت علیهم السلام دارد که یکی با نام «شجره طوبی» و دیگری «الکوکب الدرّی فی احوال النبیّ والبتول والوصی» است. مرحوم حائری مازندرانی در کتاب «معالی السبطین» اندکی به شرح حال امام حسن و بقیه کتاب را به امام حسین علیه السلام پرداخته است. او مطالب کتاب را با داستان و شعر درهم آمیخته و آن‌ها را به شکل مطالب مناسب مجالس سوگواری عرضه کرده است. او مطالب تاریخی، حدیثی و گوناگون را نقل می‌کند تا زمینه مناسبی برای گزارش مقتل و وقایع عاشورا، فراهم آورد و در این میان از نقل مطالب ضعیف و استفاده از کتب و منابع غیر قابل اعتماد- مانند روضه

۱- ر. ک: ص ۲۱۸ و ۲۲۲: مسموم بودن و سه شعبه داشتن تیر اصابت کرده به گلوی حضرت علی اصغر، ص ۲۷۰: حرکت نکردن اسب برای رسیدن به قتلگاه عباس، ص ۲۹۶ تا ۲۹۹: شروع جنگ از روز سوم محرم، ص ۳۲۵ و ۴۴۳: سوغات و یادگاری آوردن برای دختر امام حسین علیه السلام و امّ البنین، ص ۳۶۵: آمدن صدا از حلقوم بریده و نیز ص ۲۴، ۱۵۶، ۴۱۱ و

ص: ۹۸

الشهداء، اسرار الشهادات، منتخب طریحی و ... - خودداری نمی کند.

شهید قاضی طباطبایی که با مؤلف آشنایی و مکاتبه داشته نیز نقلیات کتاب را چندان قابل اعتماد نمی داند و آن را آمیخته از صحیح و ضعیف خوانده و از این رو ناظر کتاب را به دقت در آن فرا می خواند. (۱) نمونه هایی از اخبار ضعیف و حتی متفرد کتاب را می توان در این صفحات دید. (۲)

۱- تحقیق درباره اول اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام: ص ۲۰۶.

۲- مانند این که امام حسین علیه السلام وقتی دید علی اکبر به میدان می رود سه بار مُشرف به مرگ شد! (ج ۱ ص ۲۵۴) یا عمه ها و خوهرا ن علی اکبر از رفتن وی به میدان ممانعت کردند! (ج ۱ ص ۲۵۴) یا حضرت زینب قبل از آمدن امام خودش را روی جنازه علی اکبر انداخت چون می دانست اگر او فرزندش را کشته ببیند روح از بدنش مفارقت می کند (ج ۱ ص ۲۵۴) یا خروج لیلی از خیمه با سر برهنه پس از شهادت علی اکبر (ج ۱ ص ۲۵۵).

ص: ۹۹

(۳)

منابع معاصر

منابع پس از قرن ۹ و ۱۰ آن اندازه متعددند که نمی‌توان به همه آنها پرداخت. اما به گونه‌ی کلی می‌توان گفت اعتبار این کتب، تابع اعتبار منابع مورد استفاده آنها است. به سخن دیگر، هر اندازه گزارش کتب متأخر و معاصر متکی به کتاب‌های کهن تر و معتبرتر باشد و در نقل خود دقت کرده و رعایت امانت بیشتری کرده باشد، قابل اعتمادتر خواهد بود. نمی‌توان کتابی مانند «الکبریت الاحمر» را با وجود عالم بودن نویسنده آن، محمدباقر بیرجندی (۱۲۷۶-۱۳۵۲ ق) که کتاب خود را با تتبع فراوان گردآورده معتبر و یا غیر معتبر دانست؛ زیرا برخی منابع آن، قابل اعتماد و برخی ضعیف هستند و هر چند مؤلف گاه به نقد برخی گزارش‌ها پرداخته، اما نقل بدون داوری مطالب از کتابهای ضعیف نیز در آن کم نیست. گفتنی است بر همین اساس اعتبار بحارالأنوار، نفس المهموم و منتهی الآمال بیشتر است؛ زیرا اکثر گزارش‌های آنها قابل قبول و مستند به کتب کهن و معتبر هستند، به ویژه آن که محدث قمی رحمه الله با عنایت به منابع غیر قابل استناد در پاره‌ای

ص: ۱۰۰

از موارد به ارزیابی روایات نیز پرداخته و لذا استفاده از آنها بلا مانع است، مشروط به این که مطالبی که در این کتابها از اهل بیت علیهم السلام نقل شده به منبع گزارش نسبت داده شود، نه به اهل بیت علیهم السلام. نتیجه این سخن آن است که تنها به دلیل وجود یک گزارش تاریخی در کتابهای معاصر، هر چند مشهور و مورد توجه، نمی توان آن را یک سند قابل اتکای تاریخی دانست و به استناد آن، مطالبی را به اهل بیت علیهم السلام نسبت داد، بلکه باید منبع آن نیز معلوم و سنجیده گردد.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مد ظله العالی و با پیروی از اوامر بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی قدس سره، عهده دار وظایفی از جمله نیازسنجی، هدفگذاری، سیاستگذاری و برنامه ریزی خرد و کلان جهت تحقق حج ابراهیمی و زیارت مطلوب است.

اجرای طرح های فرهنگی، آموزشی و سیاسی برای ابواب جمعی حج و زیارت، پاسخگویی به نیازهای معنوی، معرفتی و مذهبی زائران بیت الله الحرام و عتبات به ویژه از طریق جذب، سازماندهی و اعزام روحانیون و همچنین ارتباط مستمر با زائران و مسوولان حج دیگر کشورها در موسم حج و عمره و زیارت عتبات به منظور معرفی اسلام، تشیع و انقلاب اسلامی و طرح مسائل جهان اسلام از دیگر اهداف حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت است.

از دیگر اهداف این مرکز می توان به ارتباط با محافل و مراکز علمی و مذهبی کشورهای اسلامی و عربستان، تهیه و انتشار کتب، نشریات و دیگر محصولات مکتوب سمعی و بصری و همچنین سازماندهی ارتباطات عمومی و اطلاع رسانی در حوزه نمایندگی ولی فقیه اشاره کرد.

همچنین پرتال حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت به عنوان نخستین پایگاه تخصصی حج و زیارت، علاوه بر اینکه پاسخگوی حجم قابل توجه نیازهای مسافران سرزمین وحی، عتبات عالیات و سایر سرزمین های مقدس و اماکن متبرکه است، یک مرجع محتوایی و آموزشی در حوزه های حج و زیارت برای کاربران اینترنتی است.

پایگاه اطلاع رسانی حج تمامی قابلیت های یک رسانه دیجیتال برای ارائه نکات آموزشی به زائران اماکن مقدسه و متبرکه را به میدان آورده است. از کتابخانه تخصصی حج می توان به عنوان بخشی از ظرفیتی نام برد که این پایگاه در فضای مجازی ایجاد کرده است.

کتابخانه تخصصی حج، مرجعی است که اطلاعات، کتاب های الکترونیکی و مجموعه مقالات دو دهه گذشته بعثه مقام معظم رهبری را در خود جمع کرده و پاسخگوی نیازهای مطالعاتی پژوهشگران دینی، زائران حرمین شریفین و عتبات عالیات و ... است. علاوه بر این آخرین اخبار اختصاصی مربوط به حوزه حج و زیارت نیز در پایگاه اطلاع رسانی حج منتشر می شود. این پایگاه اولین خبرگزاری تخصصی حج و زیارت است.

پایگاه اطلاع رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، دارای بخش های مختلفی از قبیل خبرگزاری، کتابخانه، اماکن، نگارخانه، آموزش احکام و مناسک حج، بانک صوت و فیلم، نرم افزار، پاسخ به شبهات، مناسبت های روز، دانشنامه آزاد حج، وبلاگ و مواردی دیگر است که کاربران فضای مجازی به فراخور نیازها و سلیق خود می توانند از هر کدام از بخش های آن استفاده کنند.

"حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت" آدرس سایت www.hajj.ir

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صداها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

www.hajj.ir

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

www.ghaemiyeh.com

